



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۱۲

شنبه ۲۹ دی ۱۴۰۳، ۱۸ ژانویه ۲۰۲۴

غزه: پایان یک نسل کشی فراموش نشدنی؟

کاظم نیک‌خواه

جنگ غزه دارد به پایان خود نزدیک میشود. قرار است از روز یکشنبه ۱۹ ژانویه جنگ و درگیری یا بهتر است گفته شود نسل کشی در غزه پایان یابد. کابینه امنیتی اسرائیل به آتش بس رای مثبت داده و حماس هم با آن توافق کرده است. قرار است در مرحله اول ۳۳ گروگان اسرائیلی و نزدیک به ۲۰۰ گروگان فلسطینی آزاد شوند، اسرائیل بتدریج از مناطق حائل عقب بنشیند و طی ماه آتی گفتگوهای صلح آغاز شود.

دنیا به توقف کامل این جنگ و جنایت چشم دوخته است. درست در لحظات نهایی امضای توافق نامه آتش بس، ارتش اسرائیل حمله هوایی تازه‌ای را علیه ساکنان غزه به جریان انداخت و طی آن ۱۱۳ نفر از جمله ۲۸ کودک را به قتل رساند.

پایان یافتن این موج کشتار که جان نزدیک به ۵۰ هزار نفر را گرفته است، برای همه مردم جهان بسیار خوشحال کننده است. در این ۱۵ ماه حداقل برای صدسال آتی بذر نفرت قومی و مذهبی، و جنگ‌ها و نسل کشی‌های بعدی کاشته شده است. چگونه می‌توان این همه کشتار، این همه ویرانی، این همه جنایت، این همه آوارگی، این همه پررحمی را فراموش کرد؟ بر بستر جنایاتی که دولت و ارتش اسرائیل از یک طرف و از آن طرف تروریست‌های اسلامی حماس مرتکب شدند، جریانات جنگ طلب هر دو سو می‌توانند سال‌های سال سربازگیری کنند و فضای تروریسم و جنایت و جنگ را گرم نگه دارند.

به هر رو پایان جنگ کنونی، به بشریت فرصتی برای نفس کشیدن خواهد داد و می‌توان به درجه‌ای امیدوار بود و تلاش کرد که جبهه انسانی مدافع برابری و صلح و انسانیت، بتواند از این فرصت برای پایان دادن به فصل کینه و نفرت و خون و جنگ استفاده کند و شاهد این باشیم که مردم و نیروهای صلح طلب در اسرائیل و در فلسطین و در منطقه، برای بازکردن گره فلسطین تلاش کنند و این زخم کهنه روزی التیام یابد.

به طور واقعی اگر جنگ کنونی پایان یابد فضای حسابرسی از نتایج و شرکایش در اسرائیل و در سطح بین‌المللی فراهم‌تر خواهد شد. مردم اسرائیل از چشم‌بستن بر جنایت تروریست‌های حماس در هفت اکتبر توسط نتانیاهو عصبانی هستند و بسیاری آنرا عامدانه می‌دانند. در اسرائیل علیه او پرونده‌هایی گشوده مانده است که با حاشیه‌ای‌تر شدن مسئله جنگ، جلو خواهد آمد. در فلسطین نیز حماس ضربات کاری‌ای خورده و در عین حال مردم فلسطین از این همه جنگ و آوارگی و قربانی دادن خسته شده‌اند و حماس را عامل اصلی این وضعیت می‌دانند. مردم فلسطین به دنبال پایان دادن به این شرایط واقعاً جهانی هستند. این دو جبهه انسانی می‌توانند دست به دست هم دهند و کاری کنند

که نیروهای تروریست اسلامی و ادامه در صفحه ۴

در جمهوری سوسیالیستی رفاہ عمومی چگونه

تأمین می‌شود؟

سؤال از حمید تقوایی

صفحه ۲

قدرت دوگانه، زنان و ملاها در ایران

کیوان جاوید

صفحه ۳

شادی مردم از نابودی دو تن از جلادان اسلامی،

مقیسه و رازینی

صفحه ۴

نگاهی کوتاه به گذشته و حال مسئله کرد در

ترکیه و سوریه

سیاوش مدرسی

صفحه ۵

جامعه علیه اعدام

شهلا دانشفر

صفحه ۹

تجمع باشکوه مردم سندج در مقابل استانداری

گردستان علیه حکم اعدام پخشان عزیزی

صفحه ۱۰

گام‌های نومیدانه جمهوری اسلامی به سوی تسلیم

مهران محبی

صفحه ۱۱

اطلاعی‌های هفته اخیر

صفحه ۱۲

در جمهوری سوسیالیستی رفاه عمومی چگونه تأمین می‌شود؟

سؤال از حمید تقوایی



انترناسیونال: همان‌طور که همه می‌دانند

جمهوری اسلامی در طی سال‌های سیاه حاکمیت خود جامعه را از هر جهت به قهقرا برده است. خصوصاً از نظر اقتصادی و منابع طبیعی ویرانه‌ای بر جای گذاشته است. ابعاد واقعی این مسئله پس از سرنگونی رژیم روشن خواهد شد. جمهوری سوسیالیستی مورد نظر شما چگونه می‌تواند آن درجه از رفاه و خوشبختی را که تصویر می‌کند بر این ویرانه برپا سازد؟ چه اقدامات عملی برای تغییر شرایط معیشت مردم در کوتاه‌مدت در دستور کار شما قرار می‌گیرد؟

حمید تقوایی: ابتدا لازم است بر این نکته پایه‌ای تأکید کنم که تولید در هر جامعه‌ای، در طول تاریخ و در عصر ما، نهایتاً به سه عامل مبتنی است: نیروی کار، مواد اولیه، و ابزار تولید. این عوامل مبنای تولید ثروت و یا وسایل مورد نیاز مردم در همه جوامع هستند و امروزه در جامعه ایران از هیچ یک از این جنبه‌ها کمبودی وجود ندارد. ایران از نظر تعداد و ترکیب جمعیت جوان و آماده‌به‌کار، و همچنین وجود نفت و گاز و جنگل‌ها و سایر معادن و منابع طبیعی جامعه ثروتمندی است. از سوی دیگر وسایل و تکنولوژی تولید نیز باتوجه به انقلاب الکترونیک ظرفیت و توانایی تولید

در سراسر دنیا را در سطحی پی‌سابقه و به شکل جهشی. افزایش داده است. اگر علی‌رغم این امکانات جامعه ایران در پی‌تامینی معیشتی و فقر و فلاکت دست‌وپا می‌زند تنها نتیجه حاکمیت آیت‌الله‌های میلیاردی و مافیای اقتصادی مفت‌خور و فاسدی است که هم‌وغمشان سودپرستی و ثروت‌اندوزی شخصی. و در درجه بعد پرور کردن نیروهای سرکوب در جهت حفظ ثروت و

قدرت جهنمی خودشان است. نظام اقتصادی در ایران، مثل هر جای دیگر دنیا، بر محور سوداندوزی یک اقلیت کوچک صاحب سرمایه سازمان‌یافته و جمهوری اسلامی یکی از فاسدترین و چپاولگرترین حکومت‌های سرمایه‌داری در عصر ماست. با سرنگون کردن این حکومت راه برای بکار گرفتن امکانات اقتصادی موجود در خدمت رفاه همه مردم هموار می‌شود.

مهم‌ترین اقدامات رفاهی فوری جمهوری سوسیالیستی عبارت است از رایگان کردن بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، رفت‌وآمد شهری، پرداخت بیمه بیکاری و بیمه بازنشستگی مکفی، و تأمین مسکن مناسب و ارزان برای همه شهروندان. بودجه برای انجام فوری این اقدامات در اولین گام از طریق مصادره ثروت‌های نجومی که مافیای اقتصادی حاکم با دزدی و غارت جامعه اندوخته و در حساب‌های بانکی داخلی و خارجی انباشته است تأمین می‌شود. بنا بر آمار رسمی حجم کل دزدی‌ها و اختلاس‌ها و پول‌ها و دارایی‌های "گم شده" از ابتدای به قدرت رسیدن رژیم تا امروز بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار بوده است. این ثروت را از دست این غارتگران بیرون می‌کشیم و صرف رفاه عمومی می‌کنیم.

منبع دیگر تأمین بودجه برای اقدامات رفاهی فوری عبارت است از حذف بودجه نجومی نیروهای مسلح و سرکوبگر حکومت، حذف کمک‌های میلیاردی به نیروهای اسلامی در منطقه (بعد از سرنگونی اسد فاش شد که جمهوری اسلامی بیش از ۳۰ میلیارد دلار صرف حفظ حکومت او کرده است)، و حذف بودجه بنیادهای مذهبی و امامزاده‌ها و مساجد و ائمه جمعه و دیگر دارودسته مفت‌خور روحانیت. مذاهب و برگزاری مراسم و مناسک مذهبی در جمهوری سوسیالیستی آزاد است اما هزینه این فعالیت‌ها نباید از جانب دولت تأمین شود. باید توجه داشت که مذهب در ایران و در همه جهان تنها یک اعتقاد نیست بلکه یک صنعت بسیار سودآور و درعین‌حال بسیار مضر. به حال مردم است. دولت سوسیالیستی به این صنعت مثل صنعت دخانیات برخورد خواهد کرد. یعنی قطع همه کمک‌های دولتی به مذهب و بستن مالیات‌های سنگین به درآمد بنیادهای مذهبی شامل اوقاف و نذورات و خمس و زکات و غیره.

سیاست دیگر ما پرداخت حقوق پایه مکفی، فوراً به شهروندان نیازمند و به‌تدریج با رشد و شکوفایی تولید به همه شهروندان، خواهد بود. تأمین معیشت همه شهروندان یعنی برخورداری از حق زندگی و این حق باید کاملاً مستقل از موقعیت کاری و شغلی آنها و یا خانواده‌شان به رسمیت شناخته شود. تأمین حقوق پایه فی‌الحال در برخی کشورها پیشرفته مورد بحث و بررسی است و در جوامعی نیز بخشا متحقق شده است. در جمهوری سوسیالیستی این یک رکن سیاست‌های اقتصادی ما خواهد بود.

و بالاخره هدف نهایی ما برقراری سوسیالیسم، یعنی تولید نه بر مبنای سوداندوزی بلکه در خدمت رفاه همه مردم است. شعار ما این است "از هر کس به اندازه توانش، به هر کس به اندازه نیازش". این شعار یعنی قطع رابطه بین تأمین زندگی و معیشت با کار و شغل افراد. تأمین زندگی به معنی تأمین رفاه همه مردم منطبق با آخرین دستاوردها و استانداردهای رفاهی عصر حاضر، و این امر تنها با لغو استثمار و بردگی مزدی امکان‌پذیر است.

تا وقتی هدف تولید سوداندوزی است پی‌تامینی اقتصادی و معیشتی و فقر و مسکن در ایران و در هیچ جای دیگر جهان ریشه کن نخواهد شد. در جمهوری اسلامی ثروت‌اندوزی طبقه سرمایه‌دار با رانت‌خواری و دزدی و چپاول و فساد نهادینه شده درهم آمیخته است. از این رو برای رهایی کل جامعه نه تنها بساط دزدی و چپاول اسلامی، بلکه کل نظام سرمایه‌داری که به‌خاطر حفظ منافع خود به چنین حکومت فاسد و غارتگری نیازمند است، باید برچیده شود. در جامعه ایران همه شرایط و عوامل مادی تأمین رفاه عمومی وجود دارد. کافی است تا نظام و مناسبات تولیدی موجود را زیرورو کرد تا کل جامعه رها شود.

۲۸ دی ۱۴۰۳، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵



قدرت دوگانه، زنان و ملاها در ایران



کیوان جاوید

از چند هفته پیش ویدئوکلیپی در مدیای اجتماعی چرخ می‌خورد که نشان می‌دهد یک زن جوان بی‌حجاب در فرودگاه مهرآباد عمامه یک آخوند را از سرش برداشته و مثل شال سر می‌کند که نیمی از بلندی عمامه روی زمین کشیده می‌شود و زن از این طرف به آن طرف سالن قدم می‌زند. نه کسی. به این عمل اعتراضی می‌کند نه حتی آخوند مربوطه جرئت دارد حرفی بزند. در این فضای سیاسی، زنان و همه مردم بی‌پروا علیه جمهوری اسلامی حرف می‌زنند و شعار می‌دهند و زنان حجاب از سر بر می‌گیرند، اعتراض عریان می‌کنند و کنسرت مجازی بی‌حجاب برگزار می‌کنند و رژیم اسلامی هاجوواج انگشت‌به‌دهان نظاره‌گر این قدرت‌نمایی زنان و حامیان زنان مبارز است. به این شرایط حاکم فقط می‌توان گفت حاکمیت دوگانه در ایران. یک قدرت، زنان هستند. مادران و خواهران و بستگان دور و نزدیک ما و بخش اعظم زنانی که می‌شناسیم یا نمی‌شناسیم و مردان آزاده‌ای که فعالانه از آنها حمایت می‌کنند. طرف دیگر این "قدرت" رژیم اسلامی است. قدرت رژیم پشتوانه و حمایت مردمی ندارد و دلش تا حدی به اسلحه‌اش خوش است و تنها به نیروی دستگیری و زندان از سیلی که در راه است تلاش می‌کند جلوگیری می‌کند. این دیواری که حکومت ساخته است در مقابل این موج خروشان دریای انقلاب، دیوار خشتی است و یارای مقاومت طولانی ندارد.

این دریای خروشان که تنها گوشه‌ای از عظمتش اینجا ذکر شده است، قدرت تک‌تک ما مردم است؛ قدرت دانش‌آموزان نوجوان دختر و دانشجویان و بقیه زنانی که نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، چون توفان به خانه پوشالی حکومت هجوم آورده است. انقلاب در هر کشوری با ویژگی‌های خاص خودش به جنگ حکومتی می‌رود که سد راه زندگی مردم است. در ایران به دلیل وجود مذهب در قدرت طی این ۴۶ سال یک نبرد حقیقی و واقعی جامعه علیه حکومت زن‌ستیز اسلامی به‌پیش می‌رود. اما تاریخ ستم بر زنان در ایران محدود به سال‌های حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. تاریخ ستم بر زنان البته محدود به ایران و پدیده‌های جدید نیز نیست.

زنان در ایران: یک نگاه موردی کوتاه

اکثریت قریب به اتفاق فیلم‌های فارسی در زمان شاه "دشمنی مآبانه" مردسالار و "کلاه‌مخملی" بود و همین فرهنگ ارتجاعی ضد زن، تمام ساختار فرهنگی و سیاسی در حکومت پیشین و فضای فرهنگی اجتماعی آن دوره را شکل می‌داد. در امتداد آن تاریخ، حکومت اسلامی به طرز دردناک و خوفناکی علیه زنان عمل می‌کند. قانون و فرهنگ و مناسبات روزمره در خانواده، همه دست‌به‌دست هم می‌دهند که تعرض سیستماتیک به جان و روح و روان زنان به امر روزمره تبدیل شود. باین وجود زنان به این مناسبات چندین هزارساله "عصر یخ‌بندان و تاریکی" تن ندادند و اگر جایی بیشتر در برابر این ستم بر زن کوتاه آمده‌اند به موقعیت جهانی تری دچار شده‌اند.

این ستم و تبعیض داستان کل تاریخ زندگی زنان است و فقط مختص حکومت‌های مذهبی و علناً مردسالار نیست. وقتی به کل تاریخ ۲۰۰-۳۰۰ ساله سرمایه‌داری نگاه شود این را مشاهده می‌کنیم که زن به‌عنوان

نیروی کار، آزاد شده و شخصیت فردی اش رسمیت یافته تا به‌سادگی روانه بازار کار شود. در این شرایط نیز زن انسان برابر با مرد نیست. دستمزد برابر نمی‌گیرد و در محیط کار با آنها برخورد برابر نمی‌شود و حق رأی بعضاً تا میانه قرن بیستم نیز در بسیاری از کشورهای غربی برای زنان به رسمیت شناخته نشده است. سوءاستفاده جنسی از زنان و فشار برای تن‌دادن به انتظارات سکسی کارفرمایان و مسئولین صاحب‌مقام به‌وفور در مراکز کار وجود دارد. باید اضافه کرد که زمین زندگی تا امروز برای زنان همیشه ناهموار بوده است و زنان در این مسابقه دومیدانی در برابر مردان با پای در زنجیر می‌دوند و دیوارهای زیادی در برابر آنها قد برافراشته است تا مانع به خط پایان رسیدنشان شود. در واقع هر دستاوردی که به نفع زنان مشاهده می‌شود با فشار از پایین و با جان‌فشانی به‌دست آمده است.

در ایران وجود دائمی مذهب و مردسالاری نهادینه شده دره نابرابری و ستم جنسیتی بین زن و مرد را بسیار عمیق‌تر کرده است و همین انکار هویت زنان توسط حکومت اسلامی موقعیتی به زنان داده است که در صف اول نبرد برای سرنگونی رژیم قرار بگیرند. نادیده گرفتن هویت انسانی زنان بنیاد همه مذاهب و اسلام را شکل می‌دهد و بیاد داشته باشیم با به قدرت رسیدن اسلامیان دقیقاً یک ماشین کشتار جمعی علیه زنان سازمان یافته است. در نقطه مقابل می‌بینیم زنان نه تنها در پستوی خانه‌ها مخفی نیستند، بلکه تعداد دانشجویان زن از مردان نیز بیشتر است. این البته باعث نمی‌شود آنها بتوانند به راحتی جذب بازار کار شوند و به این دلیل بخش اعظم زنان در ایران به خاطر وجود تبعیض جنسیتی از بیکاری مزمن رنج می‌برند. عدم استقلال اقتصادی نیز زمینه مردسالاری و ستم بر زنان را به حد اعلای خود رسانده است.

وقتی به جامعه ایران نگاه کنیم نبرد علنی بین این "دو قدرت" مشاهده می‌شود. - قدرت بالنده برای زندگی در برابر یک قدرت روبه‌زوال و میرنده - بی‌حجابی تنها یکی از جلوه‌های جلوی صحنه این نبرد است. زنان و همه مردان مدافع فرهنگ مدرن در جامعه ایران در حال شخم‌زدن زمین مناسبات فکری و فرهنگی عقب‌مانده هستند. این تنها یک جنگ برای به‌دست آوردن بخشی از خواسته‌های برابری طلبانه و هویتی زنان نیست. در جوامع غربی هر آنچه که در رابطه با برابری و حقوق قانونی برابر در جامعه گفته می‌شود، بخشی از رفرم در ساختار و مناسبات حاکم است. در غرب حتی با تحمیل خواسته‌های برابری طلبانه بسیار وسیع‌تر لزوماً نظام حاکم واژگون نمی‌شود. جوامع غربی جای بسیار بیشتری برای قبول اصلاح ساختارهای خود دارند و می‌توانند در برابر مبارزات آزادی‌بخش زنان برای برابری انعطاف بیشتری از خود نشان بدهند.

در جمهوری اسلامی این‌طور نیست. تن‌دادن حکومت به برابری زنان و قبول هویت انسانی برابر زنان با مردان یعنی آتش گرفتن عمارت اسلام و نابود شدن این تاریخ چند هزارساله ارتجاع مذهبی و مردسالار. مضافاً با هر درجه از عقب‌نشینی جمهوری اسلامی در مقابل جامعه و رسمیت دادن به حقوق زنان یک خشت دیگر از بنای این حکومت کنده می‌شود. انقلاب در ایران با وجود نقش پیش‌تاز و انقلابی زنان می‌رود که جهان را تحت تأثیر قرار دهد و می‌تواند دریچه‌ای باشد تا حقوق زنان در همه جای جهان گام‌ها به جلو برود.

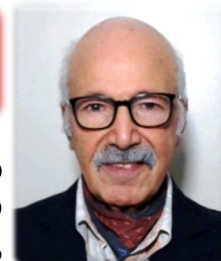
با در نظر گرفتن اهمیت سیاسی و فرهنگی مبارزات زنان، هر انسان شریف و آزادی‌خواه، برابری طلب و سوسیالیست وظیفه دارد در صف اول مبارزه برای رهایی

قدرت دو گانه، زنان و ملاها در ایران

از صفحه ۳

غزه: پایان یک نسل کشی فراموش نشدنی؟

از صفحه نخست



فانشیست‌های اسرائیلی کنار زده شوند، و فضای فلسطین و اسرائیل به آرامش برسد.

شکست و تضعیف جدی حماس و کوتاه شدن دست جمهوری اسلامی که عامل اصلی تروریسم‌پروری است و در لبنان نیز ضربات کاری‌ای خورده است، فضا را برای تحولی انسانی در منطقه فلسطین آماده‌تر خواهد کرد. شاید هنوز سخن از صلح پایدار و تشکیل عملی دو دولت فلسطینی و اسرائیلی زود باشد. اما این گفتمان را باید تقویت کرد. صلح پایدار و تشکیل دو دولت مستقل فلسطینی و اسرائیلی در کنار هم تنها راه حل قابل تصور برای حل مسئله فلسطین و پایان دادن به جنایات و کشتارها و نسل‌کشی‌ها و گروگان‌گیری‌ها و کل نفرت‌پرانی‌هایی است که دهه‌هاست بر این منطقه حاکم شده است.

فلسطین دهه‌هاست که نقطه کور دنیاست. محل تلاقی مصالح دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی جهان است. این را همه می‌دانیم. اما اگر جبهه قدرتمندی از مردم پیشرو و انسان‌دوست تشکیل شود، اگر چشم‌انداز نزدیک سرنگونی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک عامل مهم دامن‌زدن به نفرت مذهبی در منطقه، متحقق شود، می‌توان امیدوار بود که روزی شاهد تحولی اساسی در این منطقه باشیم.*

زنده باد

انقلاب زن، زندگی، آزادی

شادی مردم از نابودی دو تن از جلادان اسلامی، مقیسه و رازینی

یکی از قضات جنایت‌کار و باسابقه است که کارنامه قطوری از جنایت دارد. جمهوری اسلامی حکومت این دیوان خون‌آشام است و تمام سران و قضات و فرماندهان و کاریه‌دستانش کارنامه‌های طویلی از جنایت را با خود حمل می‌کنند. تمام شواهد گویای این است که دوران یکه‌تازی این جنایت‌کاران دارد به سر می‌رسد و جمهوری جنایت‌کاران اسلامی به سرانشیب سقوط افتاده است.

آرزوی همه مردم به‌جان آمده این است که با سرنگونی حکومت منفور اسلامی همه جلادان و سران و کار به دستان این حکومت را در دادگاه‌های مردمی ببینند و این درنده‌خویان ناچار شوند پشت پرده جنایاتشان را افشا کنند و از همه جنایاتشان سخن بگویند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ دی ۱۴۰۳، ۱۸ ژانویه ۲۰۲۵

صبح امروز دو تن از جلادان شناخته شده و منفور جمهوری اسلامی، قاضی مقیسه و رازینی در تهران توسط فردی از نزدیک ترور شدند. نابود شدن این جلادان حکومت اعدامی به‌ویژه قاضی مقیسه موجی از شادی و خوشحالی، هزاران خانواده دادخواه که عزیزانشان به دستور اینها اعدام شدند و یا سال‌ها شکنجه و زندانی شدند و همه مردم ایران را فراگرفته است.

نام قاضی مقیسه و رازینی همچون قاضی صلواتی، خلخالی، گیلانی و همچنین لاجوردی و سعید مرتضوی و اژه‌ای، برای مردم یادآور قتل، بی‌رحمی در حد بی‌نهایت، و نفرت بی‌پایان از مردم حق طلب است. قاضی مقیسه کسی است که صدها حکم اعدام و هزاران حکم زندان‌های طویل‌المدت صادر کرده و طی چهل سال گذشته در نسل‌کشی‌ها و کشتارهای حکومت اسلامی از کشتارهای سال شصت و ۶۷ تا اعدام‌های بعد از آن مستقیماً دست داشته است. رازینی نیز

نگاهی کوتاه به گذشته و حال مسئله کرد در ترکیه و سوریه



سیاوش مدرسی

فناوری دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی و ایجاد ارتباطات گسترده اجتماعی در کنار بی‌اعتمادی به احزاب و رهبران سنتی و این اعتقاد که این ساختارها اغلب به فساد و سوءاستفاده از قدرت منجر می‌شوند؛ تئوری جنبش‌های پرهبر را تولید کرد.

موفقیت اولیه برخی از جنبش‌های پرهبر مانند اعتراضات میدان تحریر در مصر نشان داد که هماهنگی غیرمتمرکز می‌تواند قدرت بسیج مردمی داشته باشد اما در عمل به قدرت‌گیری سنتی‌ترین و تروریستی‌ترین جریان‌ها و سازمان‌های اسلامی یاری رساند و جنبش و مردم را دهه‌ها درگیر کشتار و ویرانی و رقابت‌های جهانی، منطقه‌ای و داخلی کرد.

بدون وجود یک رهبری مشخص، خلأ قدرت پس از سرنگونی رژیم‌های استبدادی به آشفتگی یا حتی بازگشت به استبداد منجر می‌شود. برای مثال، در مصر، عدم وجود یک سازمان سیاسی جایگزین باعث بازگشت نظامیان به قدرت شد. در جنبش وال‌استریت، جلیقه‌زدها، جنبش میدان در مصر و ترکیه و... جنبش را در برابر سرکوب دشمنانش آسیب‌پذیر کرده و به ناکامی کشاند.

اجازه بدهید با این مقدمه به یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه مملو از امید و دلهره سوریه، نگاهی گذرا به مسئله کرد در سوریه و تاریخچه مختصری از آن بیندازیم.

نکاتی در مورد مسئله کرد، گذشته و حال

حقیقت این است که اردوغان تا تصویب قانون اساسی جدید در سوریه زمان دارد که به کمک مزدوران هم‌ردیف فاطمیون و زینبیون جمهوری اسلامی مطالباتش را به منطقه و جامعه سوریه تحمیل کند!

اما آیا سوریه با تعویض مهره‌ها از اسد به جولانی به ابواب جمعی ترکیه تبدیل خواهد شد؟ آیا این منطقه به منجلا ب جدیدی برای دولت اردوغان و مزدوران مسلح داعشی و اخوان المسلمینش تبدیل خواهد شد؟ و شکست اردوغان و دولت قطر اخوان المسلمینی در مصر را برای دولت زهوردررفته اردوغان به پیروزی ناسیونالیسم عثمانی تبدیل خواهد کرد؟

به گمان من اردوغان و رؤیای احیای "امپراتوری عثمانی اش" پای در جای پای "امپراتوری شیعه" خمینی و خامنه‌ای دارد و بدون تردید با بهای سنگین، مرددریگی جز میراث خامنه‌ای به نصیب نخواهد برد.

بیاید در این مختصر، نگاهی به گذشته کشمکش دولت‌های ترکیه و سوریه بر سر مسئله کرد بیندازیم:

تاریخچه اخراج کردهای ترکیه به سوریه و موضوع شناسنامه‌هایی که از سوی دولت سوریه به آنها اعطا یا از آنها سلب شد، ریشه در سیاست‌های ترکیه و سوریه در قبال "اقلیت" کرد دارد. این موضوع به‌ویژه در اوایل قرن بیستم و پس از تشکیل دولت مدرن ترکیه و سپس سیاست‌های دولت سوریه برجسته شد.

با تشکیل جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ و پس از سقوط امپراتوری عثمانی و تأسیس جمهوری ترکیه به رهبری مصطفی کمال آتاتورک، سیاست‌های یکسان‌سازی قومی و زبانی آغاز شد.

در این دوران، اقلیت‌های قومی از جمله کردها تحت فشار قرار گرفتند تا هویت ترک را بپذیرند چرا که ناسیونالیسم ترک ملیتی به اسم کرد را هرگز به رسمیت نشناخته و آنها را با نام تحقیرآمیز "ترک کوهی" خطاب می‌کرد.

تنها چند هفته از فروپاشی رژیم جلال بشار الاسد می‌گذرد.

اسد جامعه‌ای مملو از ویرانی، فقر، زندانی و تلنبار اجساد مثله شده و انسان‌های شکنجه شده از خود برجای گذاشته است.

جامعه‌ای امروزی و متمدن با زنان و مردانی امیدوار و پر تلاش برای ساختن دنیایی بهتر اما نه در سایه امثال جولانی و اردوغان و حاج قاسم و خامنه‌ای و قبر زینب و اقتدار خلافت عثمانی و امویان.

این جامعه کم‌کم برای امثال خامنه‌ای، اردوغان، نتانیاهو و دیگر شیوخ منطقه و اربابان جهانی تنها حکم جسدی را دارد که تا می‌شود باید دریدش، از آن سهم برد و تنها چیزی که در آن ارزش و معیار نیست همان مطالباتی است که این مردم در جریان انقلاب بهار عرب خواستارشان بودند و به خاک و خون کشیده شدند.

بهار عرب و ناگهانی‌اش

بهار عرب در سوریه در سال ۲۰۱۱ به صورت اعتراضات مسالمت‌آمیز مردمی علیه حکومت بشار اسد آغاز شد. معترضان خواستار اصلاحات دموکراتیک، پایان فساد، و رفع سرکوب بودند. بهار عرب هیچ کدام از اهداف سنتی ناسیونالیسم عرب را در صدر مطالبات آزادی‌خواهانه‌اش نداشت و شعارهایی علیه دولت‌های دیگر و یا جهان غرب در آن دیده نمی‌شد. سازماندهی بهار عرب متکی بر مادیات اجتماعی و فارغ از سلطه احزاب و جریانات اسلامی و ناسیونالیستی بود اما واکنش خشونت‌آمیز حکومت به اعتراضات باعث شد که تظاهرات به سرعت به شورش مسلحانه تبدیل شود و به کمک خود دولت اسد و ضعف و کمبود سازماندهی حزبی در جنبش بهار عرب، رهبری جریانات فوق‌ارتجاعی داعشی از یکطرف و دخالت دارو دسته‌های سازمان‌یافته و مسلح جمهوری اسلامی مثل زینبیون و فاطمیون و سپاه پاسداران در حمایت از رژیم سفاک اسد از طرف دیگر تبدیل شد.

دخالت فعال دولت روسیه از رژیم متحد دیرینه‌اش اسد در دوران اتحاد جماهیر شوروی دخالت فعال دولت‌های غربی مثل آمریکا و رقبای منطقه‌ای مثل ترکیه و عربستان و قطر و غیره را به دنبال آورد.

شکست بهار عرب در بسیاری از کشورهای عربی به چندین عامل گره‌خورده است:

ساختارهای استبدادی حاکم، ضعف نهادهای مردمی و اجتماعی، عدم باور نیروهای انقلابی فعال و کم‌تجربه به نیاز سازماندهی احزاب چپ و رادیکالی که توان هدایت و سازماندهی سیاسی و حتی نظامی علیه رژیم اسد را داشته باشند ظهور گروه‌های اسلامی که اساساً از طرف نیروهای مرتجع برون‌مرزی تسلیح و مورد حمایت مالی قرار می‌گرفتند را به دنبال داشت.

گروه‌های تروریستی مانند داعش و القاعده، زینبیون و فاطمیون و سپاه پاسداران از خلأ قدرت سوءاستفاده کردند و یکی از سیاه‌ترین دوران تاریخ سوریه و خاورمیانه را رقم زدند.

اعتراضات به دلایل اقتصادی و سیاسی مانند بیکاری، فقر، و فساد و استبداد آغاز شد، اما بحران‌های اقتصادی پس از بهار عرب شدیدتر شد و امید مردم به تغییر را کاهش داد.

دست داعش شد و نقش کردها را در معادلات سیاسی و نظامی سوریه برجسته کرد.

نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) یا "قوات سوريا الديمقراطية":

این تشکیلات ائتلافی از گروه‌های مسلح است که در سال ۲۰۱۵ تشکیل شد. این ائتلاف تحت حمایت ایالات متحده و ائتلاف بین‌المللی علیه داعش قرار داشت و به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در شمال و شرق سوریه عمل کرد. SDF ترکیبی از گروه‌های مختلف قومی و مذهبی است که با هدف ایجاد یک نیروی مشترک برای مقابله با داعش و دفاع از مناطق شمالی و شرقی سوریه ایجاد شد و ساختار آن این‌طور تعریف می‌شود:

این نهاد توسط یک شورای نظامی اداره می‌شود که سیاست‌گذاری و هماهنگی عملیات‌ها را بر عهده دارد.

رهبری SDF شامل نمایندگانی از گروه‌های مختلف قومی (کردها، عرب‌ها، آشوری‌ها) و جناح‌های سیاسی مرتبط با این گروه‌ها است. یگان‌های زیر مجموعه SDF به این شرح است:

۱- یگان‌های مدافع خلق (YPG): نیروی اصلی کردی و ستون فقرات SDF.

۲- یگان‌های مدافع زنان (YPJ): نیروی متشکل از زنان کرد که به‌طور مستقل در عملیات‌ها شرکت می‌کنند.

۳- گروه‌های عربی: شامل عشایر و نیروهای محلی عرب مانند نیروهای "الصنادید" و "شورای نظامی دیرالزور".

۴- "نیروهای آشوری": شامل گروه‌هایی مانند "شورای نظامی سریانی‌ها" (MFS) که از جوامع مسیحی سوریه محافظت می‌کنند.

۵- نیروهای ارمنی: گروه‌هایی کوچک اما فعال در دفاع از مناطق مسیحی.

اهداف و مأموریت اصلی این یگان‌ها این‌طور فرموله شده است: مبارزه با داعش و پاک‌سازی مناطق اشغال‌شده، حفظ امنیت مناطق تحت کنترل، دفاع از حقوق اقلیت‌ها و برقراری خودمدیریتی در مناطق شمال و شرق سوریه.

اهداف بلندمدت این نیرو ایجاد یک سیستم فدرال یا غیرمتمرکز در سوریه که حقوق تمامی اقوام و مذاهب را به رسمیت بشناسد، اعلام شده است.

SDF مناطق وسیعی از شمال و شرق سوریه شامل بخش‌هایی از استان‌های "حسکه"، "رقه"، "دیرالزور" و "حلب" را تحت کنترل دارد و "روژاوا" (کردستان سوریه) نام منطقه‌ای است که کردها در آن خودمدیریتی اعلام کرده‌اند.

SDF از حمایت‌های خارجی برخوردار بوده است. ایالات متحده و ائتلاف بین‌المللی: ارائه آموزش، تسلیحات، و پشتیبانی هوایی برای عملیات‌های SDF علیه داعش را بر عهده داشته است. اما حمایت دولت آمریکا در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ با چالش بزرگی روبرو شد.

عدم حمایت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، از نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) در برابر حمله ترکیه در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ (۲۰۲۱-۲۰۱۷)، یکی از جنجالی‌ترین تصمیمات سیاست خارجی او بود. این رویداد به‌طور خاص در اکتبر ۲۰۱۹ رخ داد و نتایج مهمی برای بحران سوریه و روابط بین‌المللی به دنبال داشت. در ادامه به جزئیات این موضوع می‌پردازیم:

در ۶ اکتبر ۲۰۱۹، دونالد ترامپ پس از گفت‌وگوی تلفنی با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، تصمیم گرفت نیروهای نظامی آمریکا را از شمال سوریه

قیام‌های مختلفی از سوی کردها در مناطق شرقی ترکیه صورت گرفت، مانند قیام "شیخ سعید" و "دکتر فواد" ۱۹۲۵ و "قیام درسیم" (-۱۹۳۶-۱۹۳۷). البته این شورش‌ها سرکوب شدند و دولت ترکیه بسیاری از کردها را از مناطق مسکونی خود به سایر مناطق ترکیه و یا خارج از کشور یعنی به سوریه تبعید کرد.

در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، بخش دیگری از کردهای ترکیه به دلیل سرکوب و فشار، به مناطق شمالی سوریه که در آن زمان تحت کنترل فرانسه بود، پناه بردند. این مهاجرت‌ها اغلب با فشار مستقیم دولت ترکیه همراه بود. اما کردهایی که به سوریه مهاجرت کردند، در ابتدا توانستند به‌عنوان پناهجو در مناطق کردنشین سوریه (مانند حسکه، قامشلی و عفرین) مستقر شوند. در دهه ۱۹۴۵ و ۱۹۵۰، بخشی از این جمعیت شناسنامه سوری دریافت کردند و به‌عنوان شهروند سوری پذیرفته شدند.

یکی از نقاط عطف در تاریخ کردهای سوریه سرشماری سال ۱۹۶۲ در "استان حسکه" بود. دولت سوریه به رهبری حزب بعث، با هدف "پالایش جمعیتی"، بسیاری از کردها را فاقد تابعیت اعلام کرد. در این سال حدود ۱۲۰/۰۰۰ کرد در این سرشماری شناسنامه خود را از دست دادند و در نتیجه "بی‌تابعیت" شدند. این جمعیت را در سوریه "اجانب" (بیگانگان) می‌خواندند و هم‌زمان دولت سوریه کردهای بدون تابعیت را از حقوقی مثل مالکیت زمین، تحصیل، و استخدام در ادارات دولتی محروم کرد.

در دهه ۱۹۷۰، دولت بعث سوریه طرحی به اسم "کمربند عربی" را با هدف "عریزه کردن" مناطق کردنشین به اجرا درآورد. این طرح شامل اسکان اعراب در مناطق کردنشین و محدود کردن این مناطق بود. بخشی از کردهای سوریه، از جمله کردهایی که از ترکیه آمده بودند، در این روند هدف قرار گرفتند.

اما با آغاز جنگ داخلی سوریه، وضعیت کردها به کلی تغییر کرد. دولت بشار اسد در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که بخشی از کردهای "بی‌تابعیت"، شناسنامه سوری دریافت خواهند کرد. این اقدام برای جلب حمایت کردها در برابر مخالفان دولت انجام شد. با این حال، بسیاری از کردها همچنان از مشکلات تاریخی، مثل تبعیض و فقدان حقوق پایه‌ای و انسانی رنج می‌بردند.

پس از قیام بهار عربی در سال ۲۰۱۱ و آغاز جنگ داخلی در سوریه، کردهای این کشور تحولات مهمی را پشت سر گذاشتند که با دخالت‌های خارجی از جمله جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان، ترکیه و دیگر کشورها همراه بود. در ادامه، به بررسی این تحولات و تأثیرات آن‌ها بر سرنوشت کردهای سوریه می‌نشینیم.

تشکیل خودگردانی کردها در شمال سوریه:

با تضعیف کنترل دولت مرکزی سوریه در مناطق شمالی، کردها فرصت یافتند تا ساختارهای خودمدیریتی را ایجاد کنند. در سال ۲۰۱۲، آن‌ها مناطق کردنشین را تحت کنترل خود درآوردند و نهادی به نام "اداره خودگردان شمال و شرق سوریه" (روژاوا) را تأسیس کردند. این اداره بر مبنای اصول دموکراسی مستقیم، برابری جنسیتی و همزیستی مسالمت‌آمیز بین اقوام و مذاهب مختلف بنا شد.

با ظهور داعش و تهدید آن برای منطقه، نیروهای کرد به‌ویژه "یگان‌های مدافع خلق" (YPG) و بعدها "نیروهای دموکراتیک سوریه" (SDF) به‌عنوان شرکای اصلی ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا در مبارزه با داعش شناخته شدند. این همکاری منجر به آزادسازی مناطق وسیعی از

عملیات شاخه زیتون (۲۰۱۸): تصرف منطقه "عفرین".
عملیات چشمه صلح (۲۰۱۹): تصرف مناطقی بین "تل ابیض" و
"رأس العین".

مجموعه این عملیات‌ها منجر به جابه‌جایی جمعیت کرد و تغییرات
جمعیتی Demographic در این مناطق شد.

دولت جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان به‌عنوان حامیان اصلی
دولت بشار اسد، در جنگ داخلی سوریه نقش فعالی داشتند. هرچند
تمرکز اصلی آن‌ها بر حمایت از دولت مرکزی و مقابله با گروه‌های مخالف
بود، اما حضور آن‌ها به طور غیرمستقیم بر تحولات مناطق کردنشین نیز
تأثیر گذاشت.

در نوامبر ۲۰۲۴، گروه "هیئت تحریر شام" (شام، در معنی تاریخی و
جغرافیایی، به منطقه‌ای در خاورمیانه اشاره دارد که بخش‌هایی از
کشورهای سوریه، لبنان، اردن، فلسطین و اسرائیل را شامل می‌شود)
کنترل حلب را به دست گرفت و سپس به سمت دمشق پیشروی کرد. در
۸ دسامبر، این گروه دمشق را تصرف کرد، بشار اسد به مسکو گریخت و
به روسیه پناهنده شد. این تحولات تأثیرات عمیقی بر وضعیت کردهای
سوریه برجای گذاشت.

شکاف‌ها و اختلافات داخلی در میان نیروهای کرد سوریه:

اختلافات داخلی میان نیروهای کرد سوریه یکی از چالش‌های کلیدی در
پیشبرد اهداف سیاسی و نظامی آن‌ها است. این اختلافات عمدتاً ناشی از
اختلافات بینشی، وابستگی‌های سیاسی، و استراتژی‌های متفاوت برای
نقش آفرینی با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است.

الف: حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) که بازوی سیاسی یگان‌های مدافع
خلق (YPG) محسوب می‌شود، نفوذ گسترده‌ای در میان نیروهای کرد
دارد. این حزب تحت تأثیر تئوری‌های عبدالله اوجلان (رهبر زندانی PKK)
فعالیت می‌کند و بر خودمختاری و مدیریت دموکراتیک تأکید دارد.

ب: شورای ملی کرد (KNC) ائتلافی از چند حزب کرد با PYD اختلافات
عمیقی دارد. این شورا به دولت اقلیم کردستان عراق و حزب دموکرات
کردستان (KDP) به رهبری مسعود بارزانی نزدیک است و سیاست‌های
PYD را در زمینه سرکوب مخالفان و انحصارطلبی نقد می‌کند.

محور اختلاف بر سر نحوه برخورد با دولت سوریه:

PYD تمایل بیشتری به مذاکره و تعامل با دولت مرکزی سوریه نشان
داده است، اگرچه این مذاکرات تاکنون به نتیجه مشخصی نرسیده است
اما KNC و برخی از احزاب این شورا خواستار روابط محدودتر با دولت
دمشق و تمرکز بر همکاری با قدرت‌های بین‌المللی هستند.

۲. تنش‌های نظامی و کنترل مناطق:

اختلافات سیاسی گاه به درگیری‌های نظامی نیز منجر شده است:

در برخی مناطق، نیروهای تحت کنترل PYD با گروه‌های نزدیک به
KNC بر سر مدیریت محلی یا کنترل مناطق درگیر شده‌اند.

برخی احزاب کوچک‌تر کرد نیز از نحوه توزیع منابع و قدرت توسط
PYD ابراز نارضایتی کرده‌اند.

۳. رقابت میان اقلیم کردستان عراق و نیروهای کرد سوریه:

حزب دموکرات کردستان عراق (KDP) رهبری اقلیم کردستان عراق از
نفوذ گسترده PYD در سوریه نگرانی دارد و آن را تهدیدی برای امنیت خود
می‌داند.

روابط نزدیک میان PYD و حزب کارگران کردستان (PKK) باعث بروز
تنش با KDP شده است. در مقابل، KNC

حمایت سیاسی و مالی قابل توجهی از KDP

خارج کند. این تصمیم باعث شد که ترکیه عملیات نظامی موسوم به
"چشمه صلح" را در تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۱۹ علیه نیروهای SDF آغاز کند.
ترامپ این تصمیم را با این استدلال‌های توجیه کرد:

او اعلام کرد که آمریکا قصد ندارد درگیر "جنگ‌های بی‌پایان" در
خاورمیانه شود و حضور نظامی طولانی‌مدت در سوریه منافع مستقیمی
برای ایالات متحده ندارد. ترامپ ادعا کرد که مأموریت اصلی آمریکا در
سوریه، شکست داعش بود و این مأموریت به پایان رسیده است. به گفته
او، حفظ نیروهای آمریکایی در منطقه برای حمایت از SDF در برابر ترکیه
خارج از اولویت‌های آمریکا است. ترامپ با استناد به رابطه نزدیکش با
اردوغان گفت که ترکیه یک متحد کلیدی در ناتو است و نگرانی‌های امنیتی
این کشور در مورد مرزهایش مشروع است. او در اظهاراتی جنجالی گفت:
"کردها در جنگ جهانی دوم به ما کمک نکردند. آن‌ها فقط برای منافع
خودشان جنگیدند." این جمله انتقادات گسترده‌ای را برانگیخت.

خروج نیروهای آمریکایی عملاً چراغ سبزی برای حمله ترکیه به مناطق
تحت کنترل SDF بود. SDF که متحد اصلی آمریکا در مبارزه با
داعش بودند احساس خیانت کردند. آن‌ها بارها اعلام کرده بودند که
بدون حمایت آمریکا نمی‌توانند در برابر حمله ترکیه مقاومت کنند.

گفتنی است که این تصمیم ترامپ واکنش‌های تند داخلی و بین‌المللی
به همراه داشت بسیاری از جمهوری خواهان برجسته، از جمله "لیندسی
گراهام"، از تصمیم ترامپ انتقاد کردند و آن را خیانت به متحدان کرد
آمریکا دانستند. کشورهای اروپایی و نهادهای حقوق بشری از تصمیم
ترامپ انتقاد کردند و هشدار دادند که این اقدام ممکن است باعث
تقویت مجدد داعش شود، اما در سطح داخلی سوریه SDF برای مقابله با
حمله ترکیه مجبور به توافق با دولت بشار اسد شد و نیروهای سوری و
روسی وارد مناطقی شدند که قبلاً تحت کنترل SDF بود.

تصمیم ترامپ اعتبار آمریکا را به‌عنوان یک متحد قابل اعتماد برای SDF
زیر سؤال برد و نفوذ ترکیه در شمال سوریه را افزایش داد، مناطق عمده‌ای
مانند "تل ابیض" و "رأس العین" تحت کنترل ترکیه و شبه‌نظامیان تحت
نفوذ او درآمد.

چالش‌ها و تهدیدات موقعیت کردها در سوریه:

دولت رجب اردوغان و ناسیونالیسم در ترکیه SDF را به دلیل ارتباط
نزدیک YPG با حزب کارگران کردستان (PKK)، یک تهدید امنیتی اعلام
می‌کنند و به این بهانه عملیات‌های نظامی متعددی علیه آنها انجام
داده‌اند.

دولت سوریه چه در زمان اقتدار اسد و چه امروز دوران اقتدار دولت
تحریرالشام خودمدیریتی SDF را غیرقانونی می‌داند و خواستار بازگشت
کنترل این مناطق به دمشق است.

نیروهای دموکراتیک سوریه در حال حاضر یکی از تأثیرگذارترین بازیگران
نظامی و سیاسی در بحران سوریه هستند، اما آینده آن‌ها به تعاملات
منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه روابط ترکیه، ایالات متحده، و دولت مرکزی
سوریه گره‌خورده است.

دولت نژادپرست ترکیه به بهانه نگرانی از تقویت نیروهای کرد در نزدیکی
مرزهای خود و ارتباط احتمالی آن‌ها با "حزب کارگران کردستان" (PKK)،
چندین عملیات نظامی در شمال سوریه انجام داد است. از جمله:

عملیات سپر فرات (۲۰۱۶): تصرف مناطقی بین "جرابلس" و "اعزاز".

نگاهی کوتاه به گذشته و حال مسئله کرد در ترکیه و سوریه
از صفحه ۷

دریافت می‌کند.

۴. تأثیر اختلافات داخلی بر روابط بین‌المللی:

اختلافات میان گروه‌های کرد تأثیر مستقیمی بر تعاملات آن‌ها با بازیگران بین‌المللی دارد.

ایالات متحده آمریکا عمدتاً با PYD و YPG به‌عنوان شرکای اصلی در مبارزه با داعش همکاری کرده است، اما اختلافات داخلی باعث کاهش توانایی کردها برای ارائه یک جبهه متحد شده است.

ترکیه تلاش کرده است از اختلافات داخلی برای تضعیف موقعیت کردها استفاده کند و روابط خود با KNC را برای فشار بر PYD گسترش داده است.

اختلافات داخلی میان نیروهای کرد سوریه توانایی آن‌ها را برای حفظ دستاوردهای نظامی و سیاسی تضعیف کرده و امکان سوءاستفاده بازیگران خارجی را افزایش داده است. وحدت داخلی و ایجاد سازوکارهایی برای همکاری میان گروه‌های مختلف می‌تواند نقش مهمی در تضمین آینده آن‌ها در ساختار جدید سوریه ایفا کند.

باتوجه به این داده‌ها و تغییرات اخیر در ساختار قدرت در سوریه، کردها با چالش‌های جدیدی مواجه هستند. از یک سو، عدم اتحاد داخلی میان گروه‌های کرد می‌تواند آن‌ها را تضعیف کند. از سوی دیگر، فشارهای خارجی به‌ویژه از سوی ترکیه همچنان ادامه دارد.

آینده کردهای سوریه به توانایی آن‌ها در ایجاد اتحاد داخلی و تعامل مؤثر با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی گره‌خورده است.

در روزهای اخیر، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، تهدیدات خود را علیه نیروهای کرد در شمال سوریه افزایش داده است. وی اعلام

کرده است که این نیروها یا باید سلاح‌های خود را زمین بگذارند یا در خاک سوریه دفن خواهند شد.

این اظهارات در پی تحولات اخیر در سوریه و سرنگونی حکومت بشار اسد مطرح شده است. اردوغان تأکید کرده است که شبه‌نظامیان کرد در سوریه جایی در آینده این کشور ندارند و باید خلع سلاح شوند.

از سوی دیگر، برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که ترکیه و رهبری جدید در دمشق ممکن است حمله‌ای را علیه نیروهای کرد مورد حمایت آمریکا آغاز کنند، مگر اینکه این نیروها با میل خود با ارتش سوریه ادغام شوند.

این تحولات نشان‌دهنده پیچیدگی اوضاع در شمال سوریه و تنش‌های فزاینده بین ترکیه و نیروهای کرد است. همچنین، افزایش حمایت بین‌المللی از کردهای سوریه علیه تهدیدات ترکیه دیده می‌شود.

در این شرایط دولت ترکیه ادعا می‌کند که به دنبال تأمین امنیت مرزهای خود و جلوگیری از تشکیل هرگونه ساختار خودمختار کردی در نزدیکی مرزهایش است. آنکارا با توجه به تغییرات سیاسی در سوریه، سعی دارد نفوذ خود را در مناطق شمالی این کشور افزایش دهد و یک منطقه حائل در خاک سوریه را به اشغال خود درآورد.

در مقابل، نیروهای کرد با حمایت برخی کشورهای غربی، به دنبال حفظ دستاوردهای خود و تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی در ساختار جدید سوریه هستند. این تعارض منافع می‌تواند به تشدید تنش‌ها و درگیری‌های بیشتر در منطقه منجر شود.

در یک نگاه آینده روابط بین ترکیه و کردهای سوریه به تحولات سیاسی و نظامی آتی در سوریه، منطقه و تعادل و توازن قوای منطقه‌ای و بین‌المللی گره‌خورده است.

اما عروج جنبش کانتون‌ها و حقوق زن در "روژئاوا" و جنبش سکولاریستی در دمشق و جنبش "زن زندگی آزادی" در ایران آینده روشنی برای کل منطقه خاورمیانه را ترسیم می‌کند.

۱۷ ژانویه ۲۰۲۵

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و حزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کموکاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد. زنده‌باد انقلاب!

حزب کمونیست کارگری ایران

جامعه علیه اعدام



شهرلا دانشفر

جنبش علیه اعدام وارد فاز دیگری شده است. جنبش علیه اعدام جنبشی رزمنده برای تداوم انقلاب در برابر ماشین سرکوب و جنایت حکومت است. یک وجه باشکوه این جنبش دفاع از زندگی و جان انسان‌هاست و این خود جلوه‌ای از نماد انسانی انقلاب است که خود را در شعار "زن زندگی آزادی" بازتاب می‌داد. اکنون همه بخش‌های جامعه علیه اعدام‌ها برخاسته‌اند و جنگی بر سر زندگی در برابر حکومت اعدام و جنایت در جریان است. این چنین است که سپیده قلیان این زندانی سیاسی محبوب مردمی در اوین می‌نویسد: "باید با 'زندگی' به جنگ 'مرگ' رفت."

با گسترش اعدام‌ها و احکام جدید صادر شده، به‌ویژه ارسال حکم اعدام پخشان عزیزی زندانی سیاسی و مددکار اجتماعی به دایره اجرای احکام، جامعه به تکان درآمده است. از جمله در این هفته یازده شکل صنفی معلمان طی بیانیه‌ای حمایت خود را از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام که دامنه‌اش به ۳۴ زندان کشیده شده اعلام داشتند و اعتراض شدید خود را نسبت به تأیید احکام اعدام زندانیانی همچون مجاهد کورکور، پخشان عزیزی، مهدی حسنی و بهروز احسانی ابراز کرده و بر اتحاد، همبستگی و عمل جمعی به‌عنوان تنها راه توقف روند اعدام‌ها تأکید کردند.

قبلاً نیز "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده بود که سکوت در برابر چنین احکام ظالمانه‌ای، به معنای همراهی با بی‌عدالتی و ظلم است. همچنین جعفر ابراهیمی از معلمان معترض و زندانی سیاسی سابق طی یادداشتی به پهنانه تأیید حکم اعدام برای پخشان عزیزی، مهدی حسنی و بهروز احسانی اسلام‌لو بر ضرورت مخالفت معلمان با حکم اعدام تأکید کرده بود.

علاوه بر تشکلهای معلمان نهادهای دیگر کارگری از جمله چهار تشکل مستقل، شامل سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان در بیانیه‌ای مشترک، اعدام‌ها و صدور احکام جنایت‌کارانه اعدام را محکوم کرده‌اند. آن‌ها تأکید کرده‌اند که چنین احکامی تنها نشان‌دهنده تداوم سیاست سرکوب و خشونت ساختاری جمهوری اسلامی برای سرکوب مخالفان و ایجاد ترس در جامعه است.

شورای بازنشستگان و اتحاد بازنشستگان نیز در بیانیه‌های خود از تمام فعالان، تشکلهای مردم آزادی‌خواه خواسته‌اند تا با اتحاد و اقدام جمعی، در دفاع از زندانیان محکوم‌به‌اعدام و توقف چرخه خشونت و سرکوب، موضع قاطع اتخاذ کنند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نیز ضمن بازنشر بیانیه‌ای که قبلاً در همبستگی با سه‌شنبه‌های نه به اعدام انتشار داده شده بود نوشت: "۳ بهمن سال گذشته بیانیه مشترکی با ده امضا از نهادهای کارگری و اجتماعی در همبستگی با کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام انتشار دادیم. اکنون درحالی که اعدام‌ها گسترده‌تر شده و هم اکنون حکم اعدام پخشان عزیزی از زنان معترض به دایره اجرای احکام داده شده و افرادی چون مجاهد کورکور (بازداشت شده انقلاب مهسا)، وریشه مرادی، عباس دریس (از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی سال ۹۸ در ماهشهر) و شماری دیگر در خطر اعدام هستند و هر روز احکام اعدام بیشتری صادر می‌شود. مناسبت دارد که با بازنشر آن بیانیه میثاقی جدید با این کارزار و اتحاد سراسری علیه اعدام‌ها داشته باشیم."

همچنین سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر تأیید حکم اعدام پخشان عزیزی توسط دیوان عالی کشور و دیگر احکام اعدام را محکوم کرده و خواستار توقف فوری اجرای احکام اعدام علیه پخشان عزیزی، بهروز احسانی، مهدی حسنی، وریشه مرادی، مجاهد کورکور و سایر محکومان به اعدام شده است. سندیکای واحد تأکید کرده و می‌نویسد: "ما با هرگونه مجازات اعدام به‌عنوان اقدامی غیرانسانی و ابزاری سرکوب‌گرانه قاطعانه مخالف هستیم." یک نیروی فعال علیه اعدام‌ها دادخواهان هستند که با اکت‌های اعتراضی خود صحنه‌های پرشوری از اعتراض را آفرینند. همین‌طور نهادهایی چون دادخواهان، اعدام نکنید، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) با اشکالی چون بیانیه و گذاشتن پست‌ها و هشتگ‌های اعتراضی علیه اعدام دست به اعتراض زده‌اند.

در کنار همه اینها یک اتفاق مهم در این هفته تجمع روز چهارشنبه ۲۶ دی‌ماه مقابل استانداری کردستان سنندج است که در این حرکت اعتراضی باشکوه جمع قابل‌توجهی از مردم، خانواده‌های دادخواه، فعالین حقوق زن و فعالین کارگری و معلمان علیه مجازات ضدانسانی و قرون‌وسطایی اعدام و حکم اعدام پخشان عزیزی و دیگر احکام اعدام دست به تجمع زدند و فریاد اعتراض خود را بلند کردند. بدین ترتیب مردم سنندج راه را نشان دادند. چنین تجمعاتی را می‌شود در همه‌جا تکثیر کرد.

اعتراضات خیابانی، علنی و پرجمعیت به احکام اعدام یک راهکار مهم در مقابله با اعدام‌هاست.

جنبش علیه اعدام امروز کارگر، معلم، هنرمند، دادخواه، کارگردان سینما، ورزشکار، زندانی سیاسی در درون و بیرون زندان همه‌وهمه را در یک صف متحد و سراسری قرار داده است. جنبشی که بعدی جهانی دارد. از جمله شعار نه به اعدام شعار آذین‌بخش همه پست‌های اعتراضی در مدیای اجتماعی و رودیوار شهرهاست. شعارهای اعتراضی این جنبش به کف خیابان کشیده شده و اعتراض علیه اعدام یک موضوع اعتراض جامعه در مناسبت‌های مختلف به‌ویژه در دو ساله اخیر بوده است که خود را در بیانیه‌های نهادهای کارگری و اجتماعی و اکتیویست‌های معترض مردمی به‌صورت مشترک و یا مستقل، از درون زندان‌ها و یا از بیرون زندان بارها و بارها بازتاب داده است. از جمله یک بند بیانیه خواست‌های حداقلی بیست تشکل در کوران انقلاب زن زندگی آزادی علیه اعدام بود.

مجموعه این اتفاقات نشانگر درجه بالایی از اتحاد جامعه و بخش‌های مختلف آن علیه اعدام، برای نجات جان انسان‌ها از چنگال حکومت اعدام و کشتار و برای تداوم انقلاب و رهایی از جهنم جمهوری اسلامی است. این اتفاقات همچنین نشانگر مناسب بودن توازن قوا برای به دست گرفتن ابزارهای قدرتمندتری چون تکثیر تجربه مردم در سنندج و برپایی تجمعات اعتراضی خیابانی علیه اعدام‌ها در تمام شهرها است و می‌شود روزی را برای برپایی چنین تجمعاتی انتخاب کرد که سراسری باشد. ضمن اینکه ضروری است که یک شعار اعتراضی تجمعاتی که همین‌الان از سوی بخش‌های مختلف بازنشستگان و یا بخش‌های دیگر جامعه به مناسبت‌های مختلفی شکل می‌گیرد علیه اعدام‌ها و برای لغو احکام اعدام باشد. و بالاخره اینکه برپایی اعتصابات سراسری ابزار قدرت کارگری در برابر تعرضات حکومت به زندگی و به جان مردم است. باید از تمام این ابزارها استفاده کرد و حکومت را با تمام قدرت عقب زد. اتحاد مبارزاتی سراسری علیه اعدام‌ها گام مهمی برای رفع موانع پیشروی انقلاب است. متحدانه و پر توان این گام را برداریم.*

تجمع باشکوه مردم سنندج در مقابل استانداری کردستان علیه حکم اعدام پخشان عزیزی

ادامه خواهیم داد.

حکومت ورشکسته اسلامی که فقط طناب دار، زندان و شکنجه‌اش فعال است را باید از کار انداخت. مردم کردستان ابزار قدرتمندی چون اعتصاب عمومی را در اندوخته مبارزاتی خود دارند. حکومت ورشکسته اسلامی باید بداند که ما مردم متنفر و منزجر از این رژیم آدمکش به تلاش و مبارزه خود، با تجمع، تحصن، اعتراض و اعتصاب عمومی برای لغو بی‌چون و چرای حکم اعدام پخشان عزیزی و همه زندانیان سیاسی محکوم به اعدام قادر هستیم گسترده‌تر در میدان مبارزه علیه قتل عمد دولتی بایستیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به این فعالین که این حرکت را سازمان دادند و به همه حاضرین در تجمع اعتراضی روز چهارشنبه ۲۶ دی درود می‌فرستد و در این تلاش مسئولانه تک‌تک شرکت کنندگان، خود را شریک می‌داند و همه مردم را فرامی‌خواند که جنبش علیه اعدام را با حضور خود در همه اعتراضات قدرتمندتر کنند.

نه به اعدام، زنده‌باد زندگی

سرنگون باد حکومت آدمکش اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ دی ۱۴۰۳، ۱۵ ژانویه ۲۰۲۵

روز چهارشنبه ۲۶ دی ماه ۱۴۰۳ جمع قابل‌توجهی از مردم، خانواده‌های دادخواه، فعالین حقوق زن و فعالین کارگری و معلمان در مقابل استانداری کردستان در سنندج علیه مجازات ضدانسانی و قرونوسطایی اعدام و حکم اعدام پخشان عزیزی دست به تجمع زده و خشم و اعتراض خود را علیه حکم اعدام پخشان عزیزی و کلیه احکام نا عادلانه زندانیان عقیدتی ابراز کردند.

حاضرین در این تجمع با در دست داشتن تصاویر پخشان عزیزی و قرائت بیانیه‌ای خواستار لغو فوری حکم اعدام پخشان عزیزی شدند. بیش از ۱۵۰ نفر از حاضرین در این تجمع به دنبال قرائت بیانیه شعار "نه به اعدام زنده‌باد زندگی" سر دادند و پس از یک ساعت با موفقیت به تجمع خود پایان دادند. در این گردهمایی که به همت فعالین و دست‌اندرکاران عرصه‌های مختلف اجتماعی سازماندهی شده بود یکی دیگر از اقدامات مهم و بی‌نظیر مردم مبارز شهر سنندج را به نمایش گذاشت.

مردم مبارز شهرهای کردستان!

مردم سنندج در مبارزه و حرکت خود برای حق حیات، راه نشان دادند. این حرکت می‌تواند و باید در دیگر شهرهای کردستان و در همه‌جا تکرار و تکثیر شود. اعلام کنیم که تا لغو حکم اعدام پخشان عزیزی، وریشه مرادی، شریفه محمدی و دیگر زندانیان سیاسی محکوم به اعدام از پای نمی‌نشینیم و به تجمع، تحصن و اعتراض خود



گام‌های نومیدانه جمهوری اسلامی به سوی تسلیم

مهران محبی

روزهای اخیر برای جمهوری اسلامی

سخت‌تر و درعین حال یأس‌آلودتر از

گذشته سپری شدند و انتظار می‌رود اوضاع

تیره‌تاریتری در پیش رو برایش رقم بخورد. هر روز که به آغاز به کار رسمی

ترامپ نزدیک می‌شود، رعشه و دست‌وپازدن سران حکومت در گرداب

بن‌بست‌ها وحشتناک‌تر و نفس‌گیرتر می‌شود.

تهدید "حماس" توسط ترامپ مبنی بر اینکه اگر تا وقتی که او کارش را در

دفتر کاخ سفید شروع کند گروگان‌های اسرائیلی آزاد نشوند جهنم به پا

خواهد شد، جواب داد. "سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای" طرحی

پیشنهادی به ترامپ داد؛ طرحی ۱۰۰ روزه که حامل یک نقشه راه جامع و

سراسری در تمامی بخش‌های دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی

است تا حکومت جمهوری اسلامی را در قبال بی‌ثبات‌سازی منطقه

پاسخگو کند. تهدید ترامپ نیز برای حمله به مراکز هسته‌ای جمهوری

اسلامی بیشتر از هر زمان دیگری جدی شده است.

در برابر این اقدامات و تهدیداتی که عملی شدنشان خیلی محتمل شده

است، جمهوری اسلامی کاملاً به موقعیت ضعف و درماندگی افتاده و هر

دست و پایی می‌زند تا شاید راهی برای خلاصی ولو کوتاه‌مدت و موقتی از

مهلکه بیابد. خامنه‌ای و فرماندهان سپاه علی‌رغم هارت و پورت‌های آبکی

از زبان پزشک‌های عراقچی به التماس و چاپلوسی افتاده و مدام به ترامپ

پیام آمادگی برای مذاکره بر سر مسئله هسته‌ای می‌دهند. تلاش‌های زیادی

می‌شود تا به زبان دیپلماسی از ترامپ دلجویی شود و فتوای خامنه‌ای مبنی

بر ترور و کشتن ترامپ انکار گردد تا شاید آمادگی رژیم برای دادن هر

امتیازی موجب شود "طلب بخشش" را بپذیرد و تهدیداتش را اجرایی

نکند.

پزشک‌های بیچاره که از هر طرف و از دوست و دشمن فقط باید "بخورد

و دم نزند"، در گفتگو با شبکه NBC می‌گویند: "ما به دنبال جنگ و

خونریزی نیستیم... می‌خواهیم با همه کشورها توافق راهبردی داشته

باشیم... ما همیشه آماده گفتگو با آمریکا بودیم" و در ادامه ابراز امیدواری

می‌کند که آمدن مجدد ترامپ به "صلح" و نه جنگ و خونریزی در

منطقه و جهان منجر شود. او همچنین اضافه کرد: "ما به دنبال ساخت

بمب هسته‌ای نبوده‌ایم... ما قصد ترور ترامپ را نداشته‌ایم... آنچه

به‌عنوان توطئه علیه ترامپ مطرح می‌شود، نقشه اسرائیل و دیگر کشورها

برای ترویج دشمنی با ایران است."

معلوم است و به تجربه هم ثابت شده که رؤسای جمهوری ایران در

روابط بین‌المللی جدی گرفته نمی‌شوند و پزشک‌های نیز به حساب نمی‌آید.

اما این بیچاره که باید دروغ بگوید و آبروی نداشته خود را بیشتر به حراج

بگذارد تا شاید فشارهای بین‌المللی را بر حکومت و دولتش کم کند، در

داخل هم از طرف تندروهای مالیخولیایی‌تر و سودازده‌تر فحش و ناسزا

دریافت می‌کند.

طبق معمول، روزنامه کیهان شریعت‌مداری از اینکه پزشک‌های در مصاحبه

با شبکه NBC گفته بود ایران آماده گفتگو با دولت دوم ترامپ است و

قصد ترور او را ندارد، عصبانی شده و می‌گوید: "آقای پزشک‌های شما

صاحب ایران نیستید... اظهار نظر حضرت‌عالی... اولاً بیرون از حوزه

اختیارات شماست، ثانیاً... در تضاد کامل با منافع ملی کشورمان است و

ثالثاً پیام ذلت به دشمن قسم‌خورده ایران اسلامی است."

روزنامه اصول‌گرای خراسان هم از پزشک‌های ناراحت شده و گفته: "چرا

گفتید ایران برای ترور ترامپ برنامه ندارد؟" و همین‌طور آخوندها و غیر

آخوندهای دیگر و دارای جایگاه در حکومت حملات خود را به پزشک‌های

آشکار کرده‌اند.

این است حال‌وروز حکومت! یکی می‌گوید حاضر به مذاکره با ترامپ

هستیم، عده‌ای بر سرش می‌ریزند و می‌گویند تو هیچ‌کاره هستی و حق

چنین ابراز نظری نداری. همان بیچاره که مأمورش کرده‌اند تا برنامه

جمهوری اسلامی برای ترور ترامپ را انکار کند، دیگران توی دهن اش

می‌زنند و می‌گویند بیخود گفتی، ترامپ قاتل سردار سلیمانی است و باید به

قتل برسد. می‌گویند حکومت اسلامی قصد جنگ با هیچ کشوری را ندارد،

خامنه‌ای و سپاه از حملات تروریستی حماس دفاع می‌کنند و آتش‌بس در

غزه را پیروزی برای حماس می‌دانند. یکی برای خاموش شدن آتش‌سوزی

لس‌آنجلس و به اصطلاح نجات مردم آن منطقه دعا می‌کند، دیگری

نفرین می‌کند و آن را انتقام الهی می‌داند. یکی اعلام آمادگی برای اعزام

نیروهای به‌زعم خودش واکنش سریع به آمریکا می‌کند و سپس به‌دروغ

می‌گوید آمریکا از ما درخواست کمک مالی کرده، دیگری داد می‌زند و عربده

می‌کشد که حق ندارید یک ریال از پولی که من به‌عنوان مالیات پرداخته‌ام

را به "پفیوزهای" لس‌آنجلس بدهید و...

بهراستی اگر این چرندبافان و ضدونقیض‌گویان رده‌بالای حکومتی و

مهره‌های پایین‌دستی و آخوندهای مسجیدی که کارشان سرهم کردن

موهومات برای فریب انسان‌ها هستند را در تصور در یک مکان گردآورید و

کنار هم قرارشان دهید شباهت‌های فراوانی با یک مجموعه دیوانه در یک

دیوانه‌خانه پیدا می‌کنند که یکی در حال جابه‌جا کردن اشیایی است که در

برابر خود چیده و باهاشان حرف می‌زند و دیگری بی‌اختیار راه می‌رود و

حرکات مخصوص به خود در می‌آورد و آن دیگری آواز همیشگی‌اش را

می‌خواند و در میانشان هیچ رابطه و نظم جمعی حاکم نیست.

خود خامنه‌ای هم از این قاعده مستثنی نیست و در این فضای زهوار

دورفتگی روانی در مجموعه حکومت به کلی توان کنترل و کاهش دادن

تنش‌ها و نزاع‌ها را از دست داده است. به بیان دقیق‌تر خودش به عاملی در

تسری ضدونقیض‌گویی‌های خصمانه به همه رده‌های حکومت تبدیل

شده است.

در چنین شرایطی است که خامنه‌ای در موقعیت یک شخصیت مبتلا

به بیماری روانی دوقطبی گرفتار شده است. از یک طرف باید برای نجات

خود و حکومتش پزشک‌های و دیگرانی که استعداد چاپلوسی دارند را برای

جلب رضایت ترامپ و غرب مأمور کند و از طرف دیگر باید حرف دل

تندروترهای طرف‌دار خودش را پشت تریبون حسینی در بیت

خودش بزند و با این حال امید می‌دهد به نتیجه‌بخش بودن گدایی از ترامپ و

غرب ندارد و این اوضاع به‌هم‌ریخته تنها یک علت دارد.

علت، وجود یک جامعه متنفذ و انفجاری برای سرنگون کردن حکومت

است. جامعه‌ای که سرکوب رژیم را ناکارآمد کرده، فعالین سیاسی‌اش در

زندان‌ها حکومت را عاصی کرده‌اند، با هر اعدام و صدور هر حکم اعدامی

توسط رژیم، بخش‌های بیشتری به صف دادخواهی می‌پیوندند و هر روز

حلقه محاصره‌اش بر دور نظام آدمکشان را تنگ‌تر می‌کند.

از این رو است که جمهوری اسلامی نومیدانه در برابر ترامپ و غرب زانو

می‌زند. می‌داند که با راضی کردن ترامپ برای انصراف از اعمال فشارهای

حداکثری و حمله به مراکز هسته‌ای‌اش هم فرجی برای جان به‌دیربردن از

سرنوشت محتومش حاصل نخواهد کرد.*

اطلاعه‌های هفته اخیر

اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی، کارگران چوکا، آب‌معدنی و اخباری دیگر

روز آلوده‌تر می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ دی ۱۴۰۳، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۵

اعتراض کارگران شرکت پانیا اندیمشک، مردم ایلام به آلاینده‌ی محیط‌زیست

کارگران شرکت پانیا پرتو کهربای اندیمشک در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه دستمزد و حق بیمه، نپرداختن بیمه سختی کار به آنان و غذا و ندادن فیش حقوق، اعتصاب کردند و در مقابل فرمانداری تجمع کردند. بنا بر خبر شب گذشته به دستور مدیریت این کارگران که پیگیر طلب‌هایشان هستند اجازه ورود به شرکت را پیدا نکردند. کارگران می‌گویند با اهرم فشار می‌گویند همین است که هست بروید شرکت تعطیل است. از همین رو در این روز کارگران دست به تجمع زدند. این شرکت تولیدکننده مواد اولیه صنایع فولاد کنسانتره و گندله سنگ آهن فروسیلیکومنگنز، فرومگنز کم کربن، متوسط کربن و پرکربن است و در شهرک صنعتی شماره ۲ اندیمشک واقع شده است.

خبر دیگر اینکه روز گذشته ساکنان منطقه کارزان استان ایلام در اعتراض به آلودگی محیط‌زیست و خطر افزایش بیماری‌هایی مانند سرطان در اثر آلاینده‌هایی که کارخانه سیمان ایجاد می‌کند دست به تجمع زدند و راهپیمایی کردند.

دفاع از محیط‌زیست و اعتراض علیه آلاینده‌ی هوا و محیط‌زیست که خطرات جانی برای مردم دارد یک عرصه مهم مبارزات مردمی است. در این رابط مردم در اراک در همین مدت پنج تجمع اعتراضی علیه مازوت‌سوزی نیروگاه شازند بر پا کرده‌اند. همچنین فراخوانی برای اعتراض در تهران برای ساعت ده صبح روز ۲۹ دی به تجمع در قابل ساختمان کوثر، معاونت اجرایی جمهوری اسلامی داده شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ دی ۱۴۰۳، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۵

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث مناطق نفت‌خیز جنوب و کارگران اخراجی ارغوان گستر

روز گذشته ۲۳ دی‌ماه کارگران ارکان ثالث مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زدند. این کارگران اعلام کرده‌اند که تا وقتی پاسخی نگیرند اعتراضاتشان ادامه خواهد داشت. خواست‌های کارگران ارکان ثالث سراسری است و از جمله عبارت‌اند از: حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، حق تشکل، تجمع و اعتراض، بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی ملی حفاری و دیگر بخش‌های نفت، پرداخت تمام حقوق معوقه همانند دیگر کارکنان و بک پی طبقه‌بندی مشاغل از اول سال ۱۴۰۳، بهره‌مندی از وام ۳۰۰ میلیونی بدون بهره، بهره‌مندی از پاداش طرح رجایی، استفاده از امکانات رفاهی و ورزشی شرکت و...، تبدیل وضعیت استخدامی، ایجاد امنیت شغلی برای کارگران و بهبود شرایط کار، پرداخت حقوق و مزایا در سی‌ام هر ماه.

در همین روز تجمع اعتراضی دیگری از سوی گروهی از کارگران پتروشیمی ارغوان گستر ایلام در اعتراض به اخراج‌ها و با خواست بازگشت به کار در برابر شرکت "صنایع پتروشیمی خلیج فارس"، انجام گرفت. در رابطه با این موضوع این کارگران در چند ماه گذشته تجمعات متعددی برگزار کرده‌اند. این کارگران عمدتاً از منطقه ایلام و شهرستان

امروز بیست و سوم دی‌ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، تهران و اهواز در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زده و با فریاد شعارهایشان پیگیر مطالباتشان شدند. در اهواز بازنشستگان علی‌رغم آلودگی شدید هوا که خط‌قرمز اعلام شده بود مقابل تأمین اجتماعی تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "دولت انتصابی، دروغ می‌گه حسابی"، "نه پول داریم نه نونی؛ مرگ بر این گرونی"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "تامینو غارت کردن، ما را بیچاره کردند"، "نه خواری نه ذلت، مرگ بر این عدالت"، "گرانی تورم، بلای جان مردم".

بازنشستگان در شوش که مثل هر هفته از شهرهای شوش، هفته تبه و کرخه گردآمده بودند در ادامه شعاردهی‌های پر شور خود با خواندن سرود زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی کل بساط توحش و بردگی حاکم را به چالش کشیدند.

اعتراض بازنشستگان به فقر و گرانی و اختلاسگری‌ها و به بساط سرکوب و اعدام است. در این رابطه بارها بیانیه‌های مشترک داده و علیه مسئولین دزد و اختلاسگر اعلام انزجار کرده و بر خواست‌های خود پافشاری کرده‌اند. همسان‌سازی حقوقها و افزایش آن به بالای رقم سبد معیشت که اکنون از مرز ۴۵ میلیون تومان نیز عبور کرده، درمان رایگان و پرداخت معوقات ۲۵ درصد متناسب‌سازی باقیمانده از سال ۹۹ و اجرای ماده ۹۶ و ۴۱ قانون کار از جمله خواست‌های فوری بازنشستگان است.

علاوه بر بازنشستگان اعتراض در میان بخش‌های مختلف کارگری گسترده است. امروز بیست و سوم دی‌ماه کارگران کارخانه چوکا (صنایع چوب و کاغذ ایران) نیز در رضوانشهر گیلان در اعتراض به تأخیر در پرداخت حقوق در برابر کارخانه تجمع کردند. بنا بر خبرها در همین رابطه در روزهای قبل هم بازنشستگان مجموعه چوکا در اقدامی اعتراضی مقابل اداره تأمین اجتماعی رضوانشهر تجمع داشتند.

همچنین از شب گذشته کارگران "آب‌معدنی داماش" واقع در شهرستان رودبار در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق معوقه و بیمه اعتصاب و تجمع کردند. بنا بر گزارشات این کارگران با دستمزدهای بسیار ناچیز و در شرایط بسیار سخت معیشتی با قراردادهای یک‌ماهه کار می‌کنند.

همچنین در روز گذشته شنبه ۲۲ دی‌ماه، کارکنان شرکتی بانک کشاورزی و سایر بخش‌های غیردولتی مرتبط با دستگاه‌های اجرایی، با تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی خواهان پایان دادن به تبعیض‌ها و بی‌عدالتی در نحوه استخدام و پرداختی‌ها شدند. در این روز نیروهای امنیتی حاضر در محل با تعرض به تجمع‌کنندگان تلاش کردند جمعیت را متفرق کنند. اما معترضین به تجمع و اعتراض خود ادامه دادند و در پایان بیانیه‌ای را با محوریت خواست تبدیل وضعیت نیروهای پیمانی و شرکتی به قراردادهای رسمی و تأمین امنیت شغلی خود قرائت کردند.

آخرین خبر اینکه میزان آلودگی هوای شهر تهران امروز بیست و سوم دی‌ماه با شاخص ۱۵۵ در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه افراد جامعه قرار دارد. به گفته شاهسونی، رئیس گروه تغییر اقلیم وزارت بهداشت: میزان مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در کشور ۳۰ هزار و ۶۹۲ نفر در سال ۱۴۰۲ است. در اثر این فاجعه انسانی در تهران طی سال گذشته شش هزار و ۹۳۹ نفر جان باخته‌اند. این مرگ‌ها جنایت حکومت اسلامی است که با سیاست‌های مخرب خود هوا و آب و محیط‌زیست را هر

مزدی و پرداخت سلیقه‌ای و تبعیض آمیز تعرفه، استاندارد پایین درمانی در بیمارستان‌ها. پرستاران خواهان اصلاح حقوق و حکم متناسب با تورم (حق شغل، حق شغل و... حقوق دریافتی نباید زیر ۳۰ میلیون تومان باشد)، برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ و گنجاندن آن در حکم، اجرای دقیق تعرفه پرستاری، اجرای شرایط مشاغل سخت و زیان‌آور، ممنوع اعلام کردن اضافه‌کار جهت ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی نیروی انسانی.

مازوت‌سوزی که باعث آلاینده‌گی فراوان هوا و رسیدن وضعیت بسیاری از شهرها به خط‌قرمز و تعطیلی‌های متوالی مدارس و دانشگاه‌ها و ادارات شده است، یک موضوع اعتراض وسیع مردم است. یک کانون داغ این اعتراضات اراک است و در این شهر مردم در اعتراض به مازوت‌سوزی بارها تجمع و راهپیمایی کرده و صدای اعتراضشان بلند کرده‌اند. امروز بیست و پنجم دی‌ماه مردم در شهر اراک برای پنجمین بار تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار می‌دادند: "مازوت‌سوزی جنایت، سکوت ما خیانت!". در جلوی صف تظاهرات کنندگان بنر "اراک هوا ندارد" برجسته بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ دی ۱۴۰۳، ۱۴ ژانویه ۲۰۲۵

اعتراض ۹۰ گروه بین‌المللی موزیک و هنر به حکم اعدام پخش‌شان عزیز و علیه اعدام‌ها در ایران

۹۰ گروه بین‌المللی موزیک و هنر از کشورهایی چون انگلیس، کانادا و آمریکا به فراخوان فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (free them now) پیامی صدور احکام اعدام برای پخش‌شان عزیز، و ریشه مرادی، مجاهد کورکور، عباس دریس و دیگر احکام صادر شده اعدام در ایران را محکوم کرده و نسبت به فرستادن حکم اعدام پخش‌شان عزیز به دایره اجرای احکام ابراز نگرانی کرده‌اند. این گروه‌ها بار دیگر همبستگی خود را با کارزار جهانی نه به اعدام اعلام نموده‌اند.

این گروه‌ها قبلاً در پاسخ به کمپین "موزیک برای ایران" (music4iran) حمایت خود را از انقلاب زن زندگی آزادی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی اعلام کرده بودند.

کمپین موزیک برای ایران با حمایت ۹۰ گروه بین‌المللی موزیک و هنر علیه اعدام‌ها، و تظاهرات بزرگ هزاران نفره امروز دوازدهم دی‌ماه در خیابان‌های پاریس با فریاد زن زندگی آزادی و در دفاع از پخش‌شان عزیز و ریشه مرادی و علیه بساط سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی در ایران، عظمت و قدرت انقلاب زن زندگی آزادی و ابعاد جهانی کارزار جهانی علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد. کارزاری که به حرکت اعتراضی همه بخش‌های معترض جامعه در ایران تبدیل شده که یکسرش در زندان‌هاست و سر دیگر آن در خیابان‌ها و این قلب تپنده انقلاب زن زندگی آزادی است که می‌رود تا کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی را جارو کند.

پخش‌شان عزیز، ریشه مرادی، مجاهد کورکور، عباس دریس و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند و احکام اعدام باید فوراً متوقف، پرونده‌های امنیتی برای فعالین سیاسی باید فوراً مسدود و به اعدام‌ها خاتمه داده شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۳ دی ۱۴۰۳، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۵

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

جمهوری اسلامی سرنگون باید گردد!

چور هستند که بعد از سال‌ها کار در پتروشیمی ارغوان گستر از کار اخراج شده‌اند. اعتراضات در میان بخش‌های مختلف نفت گسترده است. از مبارزات کارگران نفت وسیعاً حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ دی ۱۴۰۳، ۱۳ ژانویه ۲۰۲۵

تجمعات بازنشستگان مخابرات در سیرده شهر و اخباری دیگر

امروز بیست و چهارم دی‌ماه بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته برای پیگیری مطالبات خودشان در شهرهای شیراز، کرمانشاه، اهواز، تهران، سنندج، اصفهان، ایلام، ارومیه، مریوان، تبریز، رشت، همدان، و شهرکرد تجمع کردند.

اعتراض بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی و اختلاس‌گری‌های حاکم و بساط سرکوب حکومت است و اجرای همسان‌سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای رقم سبد معیشتی ۴۵ میلیونی و درمان رایگان مطالبات سراسری آنهاست. بعلاوه اجرای آیین‌نامه ۸۹/۲۴ مردادماه سال ۸۹ هیئت‌مدیره وقت شرکت مخابرات ایران و پایان دادن به اختلاس‌گری‌ها خواست‌های فوری بازنشستگان مخابرات است. ستاد اجرایی فرمان امام تحت اختیار بیت خامنه‌ای و بنیاد تعاون سپاه پاسداران است و این‌ها سهام‌داران عمده شرکت مخابرات هستند که هدف شعارهای اعتراضی قرار دارند.

در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، "تجمع، اعتراض حق مسلم ماست"، "تورم اسف‌بار حاکم شده تو بازار"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "اجرای آیین‌نامه، حق مسلم ماست"، "بنیاد تعاون مخابرات را برده، حق ماها را خورده"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "مخابرات ایران حق ماها را خورده"، "ستاد فرمان امام حق ماها را خورده"، "وزیر بی‌تفاوت نمی‌خوایم، سهام‌دار عمده! ننگت باد!"، و "بنیاد تعاون سپاه! ننگت باد!".

در این روز همچنین معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در تهران برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند و با فریاد شعارهای فرهنگی بیدار است از تبعیض بیزار است"، "با این همه منابع، وضع ایران خرابه"، "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد" صدای اعتراض خود را بلند کردند. اعتراض آنان به سطح نازل حقوقها و عدم پرداخت ۶۰ درصد پاداش بازنشستگی (سنوات پایان خدمت) بعد از گذشت شانزده ماه است.

در این روز در قزوین نیز متقاضیان مسکن ملی برای چندمین روز متوالی در اعتراض به افزایش اقساط وام و چپاولگری‌های حاکم مقابل استانداری و فرمانداری تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی تجمع کنندگان شعار می‌دادند "نگاه پشت شیشه، جواب ما همیشه"، "وعده وعید چه خوب بود ولی همش دروغ بود"، و "اسرائیلورها کن! فکری به حال ما کن!".

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ دی ۱۴۰۳، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۵

اعتصاب پرستاران در شوشتر و اعتراض مردم اراک به مازوت‌سوزی

اعتراضات پرستاران ادامه دارد. روز گذشته ۲۴ دی پرستاران و کادر درمان بیمارستان "خاتم‌الانبیا" در شوشتر در اعتراض به پرداخت نشدن اضافه‌کار و دیگر مطالبات خود تجمع و اعتراض کردند. پرستاران در بیمارستان‌های مختلف به تبعیضات و شرایط کار و حقوق خود اعتراض دارند.

از جمله موضوعات اعتراض پرستاران عبارت‌اند از: سطح نازل حقوقها، فشار بالای کار و اضافه‌کاری‌های اجباری، تعویق پرداخت برخی مطالبات

<https://www.free-them-now.com>

مبارزه علیه فاشیسم در آلمان، یک ضرورت فوری است و باید گسترش یابد!

به موازات عرض اندام احزاب راست و فاشیست، تظاهرات‌های ضد فاشیستی و اعتراض به سیاست‌های راست روانه در آلمان در حال گسترش است. طی هفته‌ها گذشته حضور خیابانی صدها هزار نفر علیه سیاست‌های فاشیستی حزب راست «AFD» و دسیسه‌ها و توطئه‌چینی و سوءاستفاده این حزب از اقدام تروریستی در شهر ماگدبورگ اعتراض می‌کنند.

حزب «آف د» با نفرت‌پراکنی علیه مهاجرین و پناهجویان، با وارونه جلوه‌دادن اقدام تروریستی در شهر ماگدبورگ آن را اقدامی از طرف یک اسلام‌گرا و نفرت از ما آلمانی‌ها و مسیحیان، معرفی می‌کند. درحالی‌که فرد مهاجم خودش را عضوی از «AFD» می‌داند و برای نجات آلمان در شبکه اجتماعی ایکس می‌گوید: «من و آف د برای مبارزه با یک دشمن مشترک تلاش می‌کنیم تا از آلمان محافظت کنیم.» در حقیقت مهاجم ماگدبورگ تحت تأثیر نفرتی است که حزب آف د سال‌هاست دارد آنرا شعله‌ور می‌کند.

حزب «AFD» مانند تمامی احزاب نژادپرست، تقلا می‌کند با بهره‌برداری از نارضایتی و خشم مردم از احزاب حاکم در آلمان خود را ضد سیستم موجود و آلترناتیوی برای حل بحران‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی معرفی کند. این حزب یک راه‌حل جعلی را مقابل جامعه بحرانبازده آلمان می‌گذارد: اخراج مهاجرین و جلوگیری از ورود مهاجرین جدید! و به این ترتیب با دامن‌زدن به بحرانی جدید، بحران اجتماعی و نفرت‌پراکنی و بیگانه‌ستیزی را دامن می‌زند.

حزب دست راستی حزب «AFD» که توانسته به شهرداری‌ها و شوراهای در برخی شهرها راه یابد، در تلاش است تا با استفاده از نارضایتی و بی‌اعتمادی مردم از احزاب حاکم، با شعارهای پوپولیستی و مردم‌فریب، عامل گرانی و تورم و بیکارسازی، فشارها و تنگناهای اقتصادی تحمیل شده به مردم را به گردن پناهندگان و مهاجرین بیندازد و اخراج گسترده مهاجران از خاک آلمان راه‌حلی است که جلوی جامعه می‌گذارد.

در مقابل این توطئه و دسیسه‌های شناخته شده، مردم خشمگین و معترض به حق و به درست دارند با اعتراضات وسیع به میدان می‌آیند و علیه سیاست‌های انسان‌ستیزانه و فاشیستی، ناامیدی و بی‌اعتمادی به پارلمان و سیاست‌های عقیم دولت کنونی و بی‌خاصیتی احزاب سنتی را فریاد می‌زنند.

پیام تظاهرات‌های سراسری بسیار روشن است: اعتراض مستقیم و بی‌تخفیف سلاح ما است! فریب نمی‌خوریم و نمی‌گذاریم تاریخ سیاه و خونبار فاشیسم در آلمان دوباره تکرار شود!

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران از اعتراض و مبارزه مردم آلمان علیه احزاب راست‌گرایستیبانی می‌کند و آنرا گام مؤثری برای عروج چپ اجتماعی در آلمان می‌داند.

این مبارزات برای تثبیت پیروزی خود، لازم است با طرح مطالبات صریح و روشن سوسیالیستی به عنوان یک آلترناتیو و مدعی قدرت علیه راست‌ها و مماشات پارلمان و احزاب بورژوازی قد علم کند و به سکوی قدرت‌مندی برای طرح مطالبات ریشه‌ای اقتصادی و سیاسی و به میدان آوردن نیروی عظیم چپ اجتماعی تبدیل شود تا بستری برای گام‌های بعدی علیه همه مصائب اجتماعی در جامعه و زمینه مناسبی در دفاع از ارزش‌های اجتماعی باشد و عروج مجدد چپ در اروپا را فراهم کند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آلمان

۱۷ ژانویه ۲۰۲۵

تشدید فشار حکومت بر معلمان معترض و فعالین کارگری

محکومیت احمد درخشان از کرج و چهار معلم معترض در اهواز

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی کانون نویسندگان ایران دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در پنجم دی‌ماه احمد درخشان، نویسنده و معلم در کرج را با اتهام "تبلیغ علیه نظام و ارسال پیام‌های هنجارشکنانه از طریق فضای مجازی" به یک سال حبس همراه با مجازات‌های تکمیلی محکوم کرد.

احمد درخشان علاوه بر یک سال حبس به مجازات‌هایی چون "منع از خروج کشور، منع عضویت در گروه‌ها و دستجات اجتماعی، منع اشتغال به شغل معلمی و انفصال از خدمات دولتی و عمومی به مدت ۲ سال از تاریخ اتمام اجرای حکم" نیز محکوم شده است.

همچنین با شکایت اطلاعات سپاه خوزستان، دادسرای عمومی و انقلاب جمهوری اسلامی در اهواز چهار نفر از معلمان معترض به اسامی کوبک بدایغی پگاه، پرویز نامی، علی کروشاد سیامک صادقی چهارزی را با اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به یک سال و "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور" به پنج سال حبس محکوم کرده است. این فعالین در ۱۶ آبان ۱۴۰۳ در پرونده‌های مشترکی احضار و دادگاهی شده بودند.

طی دو سال گذشته و پس از انقلاب زن زندگی آزادی فشارها بر فعالان صنفی معلمان، شدت بیشتری گرفته است. بعد از اخراج تعداد زیادی از معلمان معترض در تمام نقاط کشور، امروز شاهد صدور احکام سنگین زندان، علیه معلمان هستیم. یک کارزار مهم معلمان و کارگران پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص لغو پرونده‌های امنیتی و آزادی معلمان، کارگران و تمامی زندانیان سیاسی است. وسیعاً به این کارزار پیوندیم.

هفت نفر از فعالین کارگری و محیط‌زیست شهر سنندج به نام‌های اقبال شبانی، فردین میرکی، سید خالد حسینی، شیت امانی و فرشید عبدالمی از فعالین کارگری و سوسن رازانی و جمال اسدی از فعالین محیط‌زیست طبق ابلاغیه بازپرسی شعبه دوم دادسرای عمومی این شهر به تاریخ سیزده دی به این دادگاه احضار شده‌اند. این فعالین با اتهامات "اخلال در نظم عمومی و تبلیغ علیه نظام و شرکت در مراسم خاک‌سپاری یکی از مادران دادخواه و فعالیت‌های صنفی و مدنی که پیش‌تر با این اتهام مورد بازجویی قرار گرفته بودند" باید ظرف پنج‌روز خود را به شعبه بازپرسی معرفی کنند.

حکومت بر سرکوب‌ها شدت داده و شمار اعدام‌ها را افزایش داده است تا اعتراضات مردم در تداوم خیزش زن زندگی آزادی را عقب بزند. گسترش اعتراضات در سطح جامعه، جنبش قدرتمند علیه زندان و تبدیل شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد به شعار کف خیابانی، و جنبش جهانی علیه اعدام و سه‌شنبه‌های نه به اعدام که دامنه‌اش به ۳۰ زندان کشیده شده، پاسخ محکم مردم در ادامه انقلاب زن زندگی آزادی به این سرکوبگری‌هاست.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) احضارها و محاکمه و صدور احکام زندان برای فعالین کارگری و معترض و تشدید سرکوب‌ها و گسترش اعدام‌ها را قاطعانه محکوم می‌کند، بر اتحاد مبارزتی سراسری علیه زندان و اعدام و پیوستن گسترده به جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش جهانی علیه اعدام و سه‌شنبه‌های نه به اعدام و برای آزادی بدون قیدوشرط کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تأکید دارد.

اعتراضات مردمی در ایران در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی در موقعیت حساسی قرار دارد، کمپین برای آزادی کارگران زندانی از اتحاد‌های و نهادهای بین‌المللی کارگری و انسان‌دوست انتظار پشتیبانی و حمایت فعال از این اعتراضات را دارد. خواست ما از این نهادها حمایت و پشتیبانی از کارزارهایی است که امروز در دستور فری دم ناو و مردم در ایران علیه سرکوب و جنایت حکومت اسلامی است. با نامه‌های حمایتی خود سرکوبگری‌های حکومت و اعدام‌ها را محکوم کنید و فشار بیاورید تا اعدام‌ها متوقف شود و کارگران زندانی، معلمان دربند و زندانیان سیاسی آزاد گردند. همین امروز شماری از فعالین سیاسی از جمله پخشان عزیز، وریشه مرادی، مجاهد کورکور، عباس دریس و شمار دیگر در لیست اعدام‌ها هستند و حکم اعدام پخشان عزیز به دایره اجرای احکام داده شده است. فشار بیاورید تا تمامی این احکام فوراً لغو و تمامی زندانیان سیاسی فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۳ دی ۱۴۰۳، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۵

Shahla.daneshfar2@gmail.com

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۸ - ۲۱ دی ۱۴۰۳

جمعه ۲۸ دی

از این مراکز نصب آنها می شود آلودگی هوا و تخریب محیط زیست است.

سه شنبه ۲۵ دی

- بر اساس اعلام سازمان پایش کیفی هوای کشور، هوای شهرهای اهواز، آبادان، امیدیه، اندیمشک، خرمشهر، دزفول، شوشتر، شادگان، سوسنگرد، رامهرمز، ماهشهر و هویزه در وضعیت قرمز آلودگی هوا قرار گرفت.

- بر اساس گزارش منتشره، کارگران پیمانکاری شهرداری گوت عبدالله در استان خوزستان هنوز مزد آبان و آذرماه خود را دریافت نکرده اند. این کارگران اواسط ماه پیش در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهایشان تجمع کردند و این تجمع منجر به پرداخت حقوق شهرویر و مهرماه آنها شد. به گفته کارگران وعده داده بودند که حقوق آذرماه را اواسط ماه واریز کنند اما هنوز هیچ پرداختی انجام نشده است. برای کارگران پیمانکاری کوت عبدالله همچنین حق بیمه شهریورماه سال ۱۴۰۲ هنوز پرداخت نشده است.

دوشنبه ۲۴ دی

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته برای پیگیری مطالبات خودشان در سیزده شهر در سطح سراسری از جمله در اهواز تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی تامينی و اختلاسگری های حاکم و بساط سرکوب حکومت است و اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای رقم سبد معیشتی ۴۵ میلیونی و درمان رایگان مطالبات سراسری آنهاست. بعلاوه اجرای آیین نامه ۸۹/۲۴ مردادماه سال ۸۹ هیئت مدیره وقت شرکت مخابرات ایران و پایان دادن به اختلاسگری ها خواست های فوری بازنشستگان مخابرات است. ستاد اجرایی فرمان امام تحت اختیار بیت خامنه ای و بنیاد تعاون سپاه پاسداران است و این ها سهام داران عمده شرکت مخابرات هستند که هدف شعارهای اعتراضی قرار دارند.

- پرستاران و کادر درمان بیمارستان "خاتم الانبیا" در شوشتر در اعتراض به پرداخت نشدن اضافه کار و دیگر مطالبات خود تجمع و اعتراض کردند. پرستاران در بیمارستان های مختلف به تبعیضات و شرایط کار و حقوق خود اعتراض دارند.

از جمله موضوعات اعتراض پرستاران عبارتند از: سطح نازل حقوقها، فشار بالای کار و اضافه کاری های اجباری، تعویق پرداخت برخی مطالبات مزدی و پرداخت سلیقه ای و تبعیض آمیز تعرفه، استاندارد پایین درمانی در بیمارستان ها. پرستاران خواهان اصلاح حقوق و حکم متناسب با تورم (حق شغل، حق شاغل و... حقوق دریافتی نباید زیر ۳۰ میلیون تومان باشد)، برقراری فوق العاده خاص با ضرب ۳ و گنجاندن آن در حکم، اجرای دقیق تعرفه پرستاری، اجرای شرایط مشاغل سخت و زیان آور، ممنوع اعلام کردن اضافه کار جهت ارتقای کیفیت خدمات رسانی نیروی انسانی.

یکشنبه ۲۳ دی

- کارگران ارکان ثالث مناطق نفت خیز جنوب در اهواز در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زدند. این کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند اعتراضاتشان ادامه خواهد داشت. خواست های کارگران ارکان ثالث سراسری است و از جمله عبارتند از: حذف کامل شرکت های پیمانکاری، حق تشکل، تجمع و اعتراض، بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی ملی حفاری و دیگر بخش های نفت، پرداخت تمام حقوق معوقه همانند دیگر کارکنان و بک پی طبقه بندی مشاغل از اول سال ۱۴۰۳، بهره مندی از وام ۳۰۰ میلیونی بدون بهره، بهره مندی از پاداش طرح رجایی، استفاده از امکانات رفاهی و ورزشی شرکت و...، تبدیل وضعیت استخدامی، ایجاد امنیت شغلی برای کارگران و بهبود شرایط کار، پرداخت حقوق و مزایا در سی ام ماه.

- بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون یکشنبه های هر هفته در چند شهر از جمله در شوش و اهواز تجمع کرده و پیگیری مطالبات خود شدند. در اهواز بازنشستگان علی رغم آلودگی شدید هوا که خط قرمز اعلام شده بود مقابل تأمین اجتماعی تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان شعار می دادند:

- به دنبال اعتصاب روز گذشته کارگران شرکت پانیا پرتو کهرای اندیمشک، مسئولان این شرکت که از حمایت نهادهای حکومتی و نماینده مجلس حسونند برخوردار هستند در شب گذشته از ورود کارگران شیفت شب به کارخانه به بهانه تعطیلی جلوگیری کردند. اعتراضات کارگران اما همچنان ادامه دارد.

- محمد طهماسبی زندانی سیاسی بیش از ۵ ماه است که در زندان شیبان اهواز به سر می برد. او اهل ایذه است و طبق گزارشات چندی پیش پرونده وی از دادرسی اهواز به دادرسی ایذه ارسال شد و خانواده وی به مرجع قضایی این شهر مراجعه کردند. در آنجا به آنها اعلام شده که کماکان تحقیقات ادامه دارد. محمد طهماسبی از دسترسی به وکیل نیز محروم است و با آزادی او با وثیقه مخالفت شده است. محمد طهماسبی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری تشدید فشارهای امنیتی بر روی فعالین سیاسی و مردم معترض در خوزستان را شدیداً محکوم می کند. پاسخ این سرکوبگری ها گسترش اعتراضات است.

پنجشنبه ۲۷ دی

- کارگران شرکت پانیا پرتو کهرای اندیمشک در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه دستمزد و حق بیمه، پرداختن بیمه سختی کار به آنان و غذا و ندادن فیش حقوق دست به اعتصاب و مقابل فرمانداری تجمع کردند. بنا بر خبر شب گذشته این کارگران را که پیگیر طلب هایشان هستند به شرکت راه ندادند و با اهرم فشار می گویند همین است که هست بروید شرکت تعطیل است. از همین رو در این روز کارگران دست به تجمع زدند. این شرکت تولیدکننده مواد اولیه صنعتی در شهرک صنعتی شماره ۲ اندیمشک واقع شده است.

- بنا بر خبرهای منتشر شده زندانی سیاسی مختار آلبوشوکه در بازداشتگاه پلیس فتا اهواز مورد ضرب و شتم و شکنجه های شدیدی قرار گرفته است. این شکنجه ها در حالی بوده که وی پس از بازگشت به زندان شیبان اهواز، به خاطر وخامت حالش به بهداری زندان منتقل و بستری شد و وضعیت جسمی او بحرانی گزارش شده بود. از جمله بیماری فتق وی در اثر شکنجه های وارده تشدید شده است. به گفته پزشک، وی باید مورد عمل جراحی قرار بگیرد که تا کنون انجام نشده است. مدت هاست که مختار آلبوشوکه نیاز به رسیدگی پزشکی خارج از زندان دارد اما مقامات زندان مانع آن شده اند.

مختار آلبوشوکه در تاریخ ۱۵ آذرماه ۱۴۰۳، از زندان شیبان اهواز به بازداشتگاه فتا منتقل شد. گفته می شود مختار آلبوشوکه با شکنجه های بسیار زیر اعتراف گیری اجباری قرار داشته است.

چهارشنبه ۲۶ دی

- در این روز به دلیل آلودگی شدید هوا در ۲۲ شهرستان استان خوزستان مدارس و دانشگاه ها تعطیل شد و کار ادارات به صورت دورکاری اعلام گردید.

- هفت تن از جوانان عرب جویای کار به اسامی مهدی جاسم الرسن، جاسم کعبی، هانی کرملاجعب، محمد بنداوی و شاکر کعبیانی که دو تن از آنان از فعالان هنری هستند، در پی اعتراض به عدم استخدامشان در شرکت کشت و صنعت خمینی واقع در منطقه شعیبیه شمال شهر اهواز توسط نیروهای امنیتی توقیف و مورد تهدید قرار گرفتند. این افراد بیش از یک سال است که در جستجوی کار در مقابل درب شرکت نیشکر خمینی (نیشکر شعیبیه) تجمع می کنند و علی رغم مراجعه مکرر به ادارات و حتی به تهران و مکاتبات بسیار در مورد استخدامشان مدیریت شرکت مزبور به درخواست آنها پاسخ نداده است. تجمع مقابل مراکز تولید محل شکلی از اعتراض علیه بیکاری جوانان در مناطق مختلف است. این جوانان می گویند تنها چیزی که

جمعه ۲۱ دی

– ایوب غیبی پور حاجیور، شهروند ساکن اهواز در روز جمعه ۲۱ دی در هشتمین روز بازداشت خود از بازداشتگاه اداره اطلاعات به زندان شیبیان منتقل شد.

– بنا بر گزارشات نیروهای اطلاعات سپاه روز بیستم دی ماه حدود ساعت ۱ بامداد به منزل عماد مزرعه از ساکنان منطقه ابوحمیظه شهر خفاجیه یورش بردند و او را در حضور خانواده‌اش به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و با بازرسی منزل وی تلفن همراه و دیگر اعضای خانواده‌اش را مصادره کردند.

همچنین از آغاز دی ماه تاکنون بیش از ۱۰ شهروند «اهل سنت» از مناطق مختلف اهواز بازداشت شده‌اند. از جمله دو برادر با هویت محمد و عبدالمالک حیدری در بامداد پنجشنبه بیستم دی ماه در منطقه ملاشیه اهواز بازداشت شدند. اسامی شمار دیگری از بازداشت‌شدگان در چند هفته جاری عبارت‌اند از محمد سیلاوی، علی خزرچی (ابوجبیر)، خلیل خزرچی، محمدمروانی، یونسغریاوی، علی عموری، رضاشموسی و رضا زهیری. این دستگیری‌ها فضایی از اعتراضات را در پی داشته است.

– در ادامه اخبارهای مربوط به آلاینده‌های هوا در استان‌های مختلف، هوای ۹ شهر استان خوزستان از جمله در شهرهای اهواز، مسجدسلیمان، خرمشهر، سوسنگرد، امیدیه، هویزه، بندر ماهشهر، شوشتر و آبادان برای همه گروه‌های سنی در وضعیت قرمز و ناسالم اعلام شد. سیاست‌های مخرب و چپاولگرانه و ضد محیط زیستی جمهوری اسلامی و استفاده از مواد سمی ای مثل مازوت برای سوخت، کار، زندگی و جان مردم را به خطر انداخته است. اعتراض سراسری پاسخ این سیاست‌های جنایت‌کارانه جمهوری اسلامی است.

واحد خوزستان – کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۸ دی ۱۴۰۳، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵

"دولت انتصابی، دروغ میگه حسابی"، "نه پول داریم نه نونی؛ مرگ بر این گرونی"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "تامینو غارت کردن، ما را بیچاره کردند"، "نه خواری نه ذلت، مرگ بر این عدالت"، و "گرانی تورم، بلای جان مردم".

بازنشستگان در شوش که مثل هر هفته از شهرهای شوش، هفته تپه و کرخه گردآمده بودند در ادامه شعاردهی‌های پر شور خود با خواندن سرود زیر بارستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی کل بساط توحش و بردگی حاکم را به چالش کشیدند.

یک شهروند عرب بنام حسین آلبوعبید از اهالی منطقه توبجیه در شهر فلاحیه (شادگان) توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قضایی به منزل حسین آلبوعبید یورش برده و پس از بازرسی منزل وی را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

در این روز همچنین شهروند دیگری بنام باقر شاوردی از اهالی شهر فلاحیه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و تاکنون از محل نگهداری او اطلاعی در دست نیست.

طبق گزارشات احضارها و بازداشت‌ها یا اخذ موبایل و کامپیوتر اهل قلم و هنرمندان و فعالان فرهنگی و عقیدتی در خوزستان ادامه دارد. رقم به صدها تن رسیده و اطلاعات سپاه و اداره اطلاعات از روی موبایل‌ها، با ریطدادن چند نفر با هم و پرونده‌سازی‌های جعلی تحت عنوان جاسوسی دست به دستگیری می‌زنند. با اعتراضی سراسری باید مقابل این دستگیری‌ها ایستاد. احضارها و دستگیری‌ها باید فوراً متوقف و تمامی بازداشت‌شدگان بدون قیدوشرط آزاد شوند.

شنبه ۲۲ دی

– طبق گزارشات در شب این روز نیز شماری از شهروندان عرب از شهر اهواز بنام‌های حسین شلیباوی، معله شاوردی، محسن بریجی، احمد زنبوری و طارق جناهی توسط اداره اطلاعات بازداشت شدند. خانواده بازداشت‌شدگان تاکنون از مکان نگهداری فرزندان خود اطلاعی ندارند.

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است. گسترده از قبل پیا می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت

اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید